



A Systematic Review of Approaches to Evaluating Research in the Humanities and Social Sciences

Delbar TayefehBagher¹, Zahra Abazari², Shima Moradi³,
Fahimeh Babalhavaeji⁴

1. Ph.D. Student in Knowledge and Information Science, Department of Knowledge and Information Science, North Tehran Branch , Islamic Azad University, Tehran, Iran. E-mail: dtayefeh@nigeb.ac.ir
2. Associate Professor, Department of Knowledge and Information Science, North Tehran Branch , Islamic Azad University, Tehran, Iran (corresponding author). E-mail: 3199847811@iau.ac.ir
3. PhD in Knowledge & Information Sciences; Middle East Studies Librarian, Slavic, and Area Studies Collection Strategist, UC Santa Barbara, US. E-mail: shima@ucsb.edu
4. Associate Professor, Department of Knowledge and Information Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. E-mail: f.babalhavaeji@sriau.ac.ir

Article Info

Article type:
Research

Article history:

Received: 2025/12/03

Received in revised:
2025/12/11

Accepted: 2026/01/20

Available online: 2026/01/27

Keywords:

Research assessment approaches, Research and social sciences research, Systematic review, Research cycle, Evaluation objectives.

ABSTRACT

Purpose: The present study aimed to review and synthesize findings from national and international research on evaluation approaches in humanities and social sciences research.

Methodology: The present study employed a systematic review approach, based on the guidelines outlined by Acland (2015). Relevant literature on evaluation methods and approaches in humanities and social sciences was systematically searched across both international and national databases. Following a screening process, 28 articles were included for final analysis

Findings: The findings indicate that research evaluation in the humanities relies on a wide range of approaches and tools, each with its own advantages and limitations. The identified approaches include bibliometrics, altmetrics, commercialization statistics, impact repositories, document analysis, peer review, interviews, surveys, and case studies. Additional methods include stakeholder and user evaluation, workshops and focus groups, activity tracking, field visits, logic models, theory of change, bottom-up approaches, and the inside-out approach methods

Moreover, the results suggest that these approaches and methods correspond to different stages of the research cycle (inputs, processes, outputs, outcomes, and impacts). Methods such as bibliometrics, altmetrics, and statistical databases primarily focus on measuring research outputs, enabling quantitative comparison of research results. In contrast, qualitative and participatory approaches, including interviews, case studies, field visits, document analysis, stakeholder evaluations, workshops, focus groups, and bottom-up approaches, tend to assess research outcomes and medium- to long-term impacts.

Conclusion: The analysis of the present study indicates that contemporary research assessment approaches, by moving beyond an exclusive focus on measurable outputs, facilitate the integration of quantitative and qualitative data, support collaborative analysis, and enable the application of theoretical frameworks. This methodological diversity, along with the alignment of approaches and methods with the research cycle, suggests that the selection and combination of assessment strategies should be guided by the specific research stages and evaluation objectives to ensure a comprehensive and rigorous evaluation. Accordingly, evaluating research in the humanities and social sciences requires the integration of multiple approaches, attention to contextual and procedural factors, and the use of diverse data sources.

Cite this article: TayefehBagher, Delbar; Abazari, Zahra; Moradi, Shima; Babalhavaeji, Fahimeh (2026). A Systematic Review of Approaches to Evaluating Research in the Humanities and Social Sciences, *Applied Scientometric Studies*, 2(4), 127 - 154. <https://doi.org/10.22091/apss.2026.15242.1085>



© Author(s) retain the copyright and full publishing rights.

Publisher: University of Qom.

DOI: <http://doi.org/10.22091/apss.2026.15242.1085>

مروری نظام‌مند بر رویکردهای ارزیابی پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی

دلبر طایفه‌باقر^۱ ID، زهرا ابادری^۲ ID، شیما مرادی^۳ ID و فهیمه باب‌الحوائجی^۴ ID

۱. دانشجوی دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی، گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: dtayefeh@nigeb.ac.ir
۲. استاد، گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول). رایانامه: 3199847811@iau.ac.ir
۳. دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی، کتابدار مطالعات خاورمیانه و استراتژیست مجموعه‌سازی در حوزه‌های اسلاو و مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه کالیفرنیا، سانتا باربارا، آمریکا. رایانامه: shima@ucsb.edu
۴. دانشیار، گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: f.babalhavaeji@sriau.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی.</p> <p>تاریخچه مقاله:</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۱۲</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۹/۲۰</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۳۰</p> <p>تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۱/۰۷</p> <p>کلیدواژه‌ها: هوش مصنوعی، کشاورزی دقیق، یادگیری ماشین، اینترنت اشیا، کشاورزی هوشمند، یادگیری سیستم‌ها، تحلیل داده‌ها، پیش‌بینی‌های آب‌وهوایی، اتوماسیون کشاورزی.</p>	<p>هدف: در پژوهش حاضر تلاش شد است تا یافته‌های پژوهش‌های ایران و جهان در باره رویکردهای ارزیابی پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی بررسی شود.</p> <p>روش: پژوهش حاضر به روش مرور نظام‌مند انجام شده و برای اجرای آن از راهنمای ارائه‌شده از سوی اکل (۲۰۱۵) استفاده شده است. در این راستا، پژوهش‌های مرتبط با روش‌ها و رویکردهای ارزیابی پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی در پایگاه‌های اطلاعاتی بین‌المللی و داخلی جست‌وجو شدند و پس از غربالگری، در نهایت ۲۸ مقاله برای بررسی نهایی انتخاب شد.</p> <p>یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد ارزیابی پژوهش در علوم انسانی متکی بر طیف وسیعی از رویکردها و ابزارهاست که هر یک مزایا و محدودیت‌های خود را دارد. براساس نتایج به‌دست‌آمده این رویکردها شامل کتاب‌سنجی، آلت‌متریکس، آمار تجاری‌سازی، پایگاه‌های داده تاثیر پژوهش، تحلیل اسنادی، داوری همتا، مصاحبه، پرسش‌نامه، مطالعات موردی، ارزیابی ذینفعان، کارگاه‌ها و گروه‌های کانونی، ردیابی فعالیت‌ها، بازدیدهای میدانی، مدل‌های منطقی، نظریه تغییر، رویکرد پایین به بالا، و رویکرد درونی و اجماعی است. همچنین یافته‌ها بیانگر آن است که این رویکردها و روش‌ها هر یک با بخشی از چرخه پژوهش (درون‌داد یا نهاده پژوهش، فعالیت‌ها یا فرایند، برون‌داد یا ستانده، دستاورد یا برآیند، تأثیر یا اثر) تناسب دارند. روش‌هایی همچون کتاب‌سنجی، دگرسنجه‌ها، و پایگاه‌های داده آماری بیشتر بر سنجش برون‌دادهای پژوهش تمرکز دارند و امکان مقایسه و اندازه‌گیری کمی نتایج پژوهشی را فراهم می‌کنند. در مقابل رویکردهای کیفی و مشارکتی نظیر مصاحبه، مطالعات موردی، بازدیدهای میدانی، تحلیل اسنادی، ارزیابی ذینفعان، کارگاه‌ها، گروه‌های کانونی، رویکردهای پایین به بالا بیشتر به سنجش دستاوردها و اثرات میان‌مدت و بلندمدت پژوهش تمرکز دارند.</p> <p>نتیجه‌گیری: تحلیل یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که رویکردهای نوین ارزیابی، با عبور از تمرکز صرف بر خروجی‌های قابل اندازه‌گیری، امکان یکپارچه‌سازی داده‌های کمی و کیفی، تحلیل مشارکتی، و بهره‌گیری از چارچوب‌های نظری را فراهم می‌کنند. این تنوع رویکردی و تطبیق رویکردها و روش‌ها با چرخه پژوهش بیانگر آن است که انتخاب و ترکیب رویکردها و روش‌های ارزیابی باید براساس مراحل پژوهش و اهداف ارزیابی انجام شود تا ارزیابی جامع و معتبر باشد. بر این اساس ارزیابی پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی مستلزم تلفیق رویکردها، حساسیت به زمینه، و مراحل پژوهش و استفاده از منابع داده‌ای متنوع است.</p>

استاد: طایفه‌باقر، دلبر؛ ابادری، زهرا؛ مرادی، شیما؛ باب‌الحوائجی، فهیمه (۱۴۰۴). مروری نظام‌مند بر رویکردهای ارزیابی پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی.

مطالعات کاربردی علم‌سنجی، ۲ (۴)، ۱۵۴-۱۲۷. <https://doi.org/10.22091/apss.2026.15242.1085>



۱. مقدمه و بیان مسئله

برای سنجش کمی و کیفی تولیدات علمی به ابزارها و روش‌های معتبر نیاز است. این نیاز شاید از ابتدایی‌ترین زمان، یعنی آغاز نوشتن، احساس شد و احتمالاً پیدایش و تنوع روش‌های ارزیابی در طول زمان گواهی بر این ادعاست. امروزه، ارزشیابی تولیدات علمی، مجلات، دانشمندان و پژوهشگران، و دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های پژوهشی به یک ضرورت تبدیل شده، به گونه‌ای که حتی آن را از ملزومات توسعه دانش و همچنین تعیین‌کننده فعالیت‌های علمی دانشمندان و پژوهشگران می‌دانند (عصاره و همکاران، ۱۳۸۸).

ارزیابی کمی و کیفیت پژوهش‌های علمی برای ارائه تصویری روشن از وضعیت کارکرد ساختار علمی و تکامل آن، در عرصه سیاست ملی علمی یا راهبرد مدیریت پژوهشی هر کشوری ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است (موئد، ۱۳۸۷) ارزیابی فعالیت‌های پژوهشی همواره بحث‌برانگیز و پیچیده بوده و انتقاد نسبت به ارزیابی پژوهش در کشورهای مختلف با محیط‌های پژوهشی گوناگون مطرح شده است. این انتقادها از سوی رشته‌های خاصی نیز مطرح می‌شود، اما بدون تردید، شدیدترین تنش‌ها در حوزه علوم انسانی و علوم اجتماعی رخ می‌دهد که جامعه علمی روش‌های به‌کاررفته در ارزیابی را نمی‌پذیرد یا نسبت به آن‌ها انتقادی جدی دارد (تولدو^۱، ۲۰۱۸). شاخص‌های کتاب‌سنجی که برای مقایسه و ارزیابی پژوهش‌ها در علوم طبیعی و زیستی استفاده می‌شوند در سیستم‌های عملکردی بودجه‌های پژوهشی دانشگاه‌ها در چندین کشور استفاده می‌شوند، با این حال به نظر می‌رسد شاخص‌های کتاب‌سنجی برای تعیین کمی و کیفیت پژوهش‌های علوم‌انسانی و یا برای ارزیابی آن‌ها مناسب نیستند (هاگ و اوشنر^۲، ۲۰۱۴)، زیرا انتشار یافته‌های پژوهش‌های علوم‌انسانی و اجتماعی از سایر حوزه‌های دانش متفاوت است. موضوعات مطالعاتی و پژوهشی در رشته‌های علوم‌انسانی بیشتر ملی و محلی بوده و نتایج این پژوهش‌ها در یک زمینه خاص ممکن است برای پژوهشگران کشورهای دیگر مفید نباشد. ابزار انتخاب‌شده برای انتشار یافته‌ها در علوم‌انسانی نیز متفاوت بوده و فصول کتاب و تک‌نگاشت گزینه‌های انتخابی پژوهشگران در هنگام چاپ یافته‌های پژوهش و هنگام جست‌وجوی یافته‌های دیگران در پیشینه‌هاست (هیکس^۳، ۲۰۰۴؛ ندرهاف^۴، ۲۰۰۶؛ کولچسکی^۵ و همکاران، ۲۰۱۸). همکاری‌ها در حوزه علوم‌انسانی همچنین به دلیل رواج متون و مقالات تک‌نویسنده و مشارکت‌های کم بین مؤسسه‌ها، متفاوت از الگوهای عمومی است. علاوه بر این پژوهشگران علوم‌انسانی و اجتماعی نه تنها مقالات تخصصی، بلکه مطالبی را هم برای افراد غیرمتخصص منتشر می‌کنند (هیکس، ۲۰۰۴). الگوهای استناد در رشته‌های علوم‌انسانی نیز متفاوت است و چنین جزئیاتی بر اثربخشی تأثیر می‌گذارد. این امر با مقدار کم هم‌نویسندگی در مقالات علوم‌انسانی و اجتماعی تشدید می‌شود، زیرا همان‌طور که نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد مشارکت‌های علمی و تعداد استنادات، پارامترهای وابسته به هم هستند (پوسکا^۶، ۲۰۱۴).

بی‌گمان ارزیابی در علوم‌انسانی و اجتماعی چالش‌برانگیز است. شیوه‌هایی که پژوهش در محیط‌های واقعی پذیرش، استفاده، و استفاده مجدد می‌شود، باعث می‌شود که ارتباط دادن نتایج و فرایندهای پژوهش به تغییرات گسترده‌تر دشوار شود و پیش‌بینی بازه‌های زمانی نیز پیچیده است. با این حال، به‌جای اینکه نبود «استانداردهای طلایی^۷» برای ارزیابی در علوم‌انسانی و اجتماعی باعث

1. Toledo
2. Hug & Ochsner
3. Hicks
4. Nederhof
5. Kulczycki
6. Puuska
7. golden standards

ایجاد فلج فکری شود، تنوع روش‌ها و ابزارها به درک ظریف‌تر و حساس‌تری نسبت به زمینه از اثربخشی منجر شده که معمولاً فراتر از آن چیزی است که هر مدل ارزیابی فردی ترویج می‌کند (مورتون^۱، ۲۰۱۵). همان‌طور که رافولز^۲ (۲۰۱۷) در کنفرانس شاخص‌های علم، فناوری و نوآوری در سال ۲۰۱۷ اشاره کرد «مشارکت‌های علم در جامعه آن‌چنان متنوع و تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار می‌گیرد که شاخص‌های استفاده‌شده در ارزیابی نمی‌توانند جهانی و یکسان باشند.» بلکه این شاخص‌ها باید متناسب با زمینه‌های خاص توسعه یابند و در کنار ارزیابی‌های کیفی استفاده شوند.

تحول مطالعات ارزیابی نشان داده است که سازمان‌های پژوهشی عمومی تنها براساس یک مدل خطی رشد و کاربرد مزایای خود را به جامعه ارائه نمی‌دهند بلکه، تأثیرات واقعی پژوهش در مراحل مختلف فرایند پژوهش رخ می‌دهد و از اشاعه و کاربرد دانش^۳ تا کاربردهای بلندمدت و اثرات پویا گسترش می‌یابد (باکستون و هانی^۴، ۱۹۹۶).

ارزیابی پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی بحث‌برانگیز و پیچیده بوده با وجود گسترش ابزارها و رویکردهای مختلف برای ارزیابی پژوهش، هنوز در ارزیابی پژوهش‌های حوزه علوم انسانی و اجتماعی چالش‌های اساسی وجود دارد. بیشتر ابزارها و رویکردهای موجود بر شاخص‌های کمی، مانند تعداد مقالات و میزان استنادها و موارد این چنینی تمرکز دارند. چنین ابزارها و رویکردهایی هرچند در حوزه‌های دیگر تا حدودی کارآمد است، اما در علوم انسانی و اجتماعی که ماهیت پژوهش‌ها کیفی‌تر، بومی‌تر، و وابسته به زمینه‌های فرهنگی و زبانی هستند نمی‌تواند ارزیابی درستی از اثرات پژوهش نشان دهد. در علوم انسانی و اجتماعی، مسیر پژوهش از مرحله شکل‌گیری ایده تا اثربخشی، از پیچیدگی‌ها و ویژگی‌های خاصی برخوردار است، بسیاری از رویکردهای ارزیابی موجود، تنها بر برون‌دادهای پژوهش (مانند مقالات یا استنادها) متمرکز شده‌اند و سایر مراحل چرخه پژوهش نظیر درون‌داد، فرایند، دستاورد، و تأثیر در کانون توجه قرار نگرفته‌اند. حال آن‌که برای ارزیابی جامع‌تر و چند بُعدی ضرورت دارد رویکردهای ارزیابی پژوهش در چارچوبی جامع‌تر بازتعریف شوند، چارچوبی که بتواند میان مراحل مختلف چرخه پژوهش (درون‌داد، فرایند، برون‌داد، دستاورد، و تأثیر) و انواع رویکردهای ارزیابی پیوند برقرار کند. راهنمای «مدل منطقی» بنیاد کلاگ^۵ (۲۰۰۴) تأکید می‌کند که ارزیابی اثربخش تنها زمانی امکان‌پذیر است که درون‌دادها، فعالیت‌ها، برون‌دادها، و دستاوردها و اثرات کوتاه‌مدت و بلندمدت به‌صورت زنجیره‌ای و منطقی تحلیل شوند (بنیاد کلاگ، ۲۰۰۴). لذا پژوهش حاضر با روش مرور نظام‌مند به بررسی رویکردها و روش‌های استفاده‌شده برای ارزیابی اثربخشی پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی می‌پردازد و تلاش دارد ارتباط بین رویکردها و مراحل پژوهش را تبیین کند. پژوهش حاضر در صدد پاسخ‌گویی به این پرسش‌هاست که رویکردهای ارزیابی پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی کدامند؟ و مدل مفهومی تلفیقی رویکردهای ارزیابی پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی بر اساس مراحل چرخه پژوهش (درون‌داد، فرایند، برون‌داد، دستاورد، و تأثیر) چیست؟

۲. پیشینه پژوهش

برای ارائه یک بررسی منسجم و تحلیلی از پیشینه پژوهش، مطالعات موجود به چهار دسته اصلی تقسیم شده‌اند:

1. Morton
2. Rafols
3. knowledge dissemination and application
4. Buxton & Hanney
5. Kellogg Foundation Logic Model Guide

۱- برخی پژوهش‌ها به تحلیل شاخص‌های علم‌سنجی سنتی در ارزیابی پژوهش‌های علوم‌انسانی پرداخته و با اشاره به محدودیت‌های این رویکرد در ارزیابی پژوهش به استفاده از رویکردهای ترکیبی (کمی و کیفی) و متناسب با بافت و ماهیت پژوهش تأکید دارند. داورپناه (۱۳۸۶) نشان داد که شاخص‌های رایج علم‌سنجی مانند عامل تأثیر و نرخ استناد، به دلیل ماهیت متفاوت و نیمه‌عمر طولانی استناد در علوم انسانی، از کارایی لازم برخوردار نیستند. این پژوهش نتیجه می‌گیرد که ارزیابی این حوزه نیازمند طراحی شاخص‌های ترکیبی و متناسب با ماهیت خاص آن است. جمالی مهمونی (۱۳۹۰) نیز به معرفی روش‌های کمی، کیفی، و آمیخته ارزیابی پژوهش پرداخته و چالش‌های اصلی از جمله ابهام مفهومی، مشکل انتساب نتایج، و فاصله زمانی طولانی برای ظهور آثار پژوهش را تحلیل کرده است. نتایج پژوهش وی نشان می‌دهد که ارزیابی جامع پژوهش مستلزم در نظر گرفتن افق زمانی بلندمدت و به‌کارگیری روش‌های ترکیبی و متناسب با ماهیت هر پژوهش است. مختاری و میرزایی (۱۳۹۵) به بررسی تفاوت‌های علوم تجربی، اجتماعی، و انسانی از منظر شاخص‌های علم‌سنجی در مؤسسه آی‌اس‌ای پرداختند نتایج نشان دادند که عواملی مانند میزان پوشش در آی‌اس‌ای، جهت‌گیری ملی یا بین‌المللی مجلات، الگوهای نشر و استناد، زبان غالب (انگلیسی)، نوع مخاطبان و تفاوت در رفتار ارجاع‌دهی پژوهشگران باعث تفاوت در ارزیابی این علوم می‌شود و برای ارزیابی در علوم انسانی و اجتماعی استفاده از روش‌های ترکیبی شامل شاخص‌های کمی و داوری کیفی خبرگان ضروری است. قنادی‌نژاد و حیدری (۱۳۹۹) نیز تأکید دارند برای ارزیابی کیفیت برون‌دادهای علمی حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی، شاخص‌ها و معیارهای استفاده‌شده باید ترکیبی از شاخص‌های کمی و کیفی باشد. تلوال و دلگادو^۱ (۲۰۱۵) به بررسی محدودیت‌های استفاده از شاخص‌های استنادی در ارزیابی پژوهش‌های هنر و علوم انسانی می‌پردازند. نویسندگان با استناد به تجربه‌های عملی مانند «چارچوب تعالی پژوهشی بریتانیا»، استدلال می‌کنند که داده‌های کیفی و کمی بافت‌مند مناسب‌تر از شاخص‌های استاندارد هستند. مقاله تأکید می‌کند که استفاده از داده‌های نظام‌مند و همراه با روایت، می‌تواند به ارزیابی عادلانه‌تر و معنادارتر پژوهش در این حوزه‌ها بینجامد. ربیل و دیگران^۲ (۲۰۱۸) نیز نشان دادند روش‌های رایج سنجش اثربخشی، که بیشتر ریشه در علوم پایه و فنی-مهندسی دارند قادر به انعکاس ویژگی‌های معرفت‌شناختی و سازمانی حوزه علوم انسانی و اجتماعی نیستند. پژوهش آن‌ها بر ضرورت توسعه روش‌های جایگزین و ترکیبی مبتنی بر روش‌های کمی و کیفی برای درک جامع و دقیق اثرات علمی، اجتماعی، و سیاستی پژوهش‌ها تأکید دارد. این پژوهش تأکید می‌کند که توسعه رویکردهای تلفیقی و ابزارهای مبتنی بر تعامل و زمینه، شرط ضروری برای سنجش دقیق و جامع اثربخشی پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی است. پدرس، گرونواد، و هوی دتفلدت^۳ (۲۰۲۰) با بررسی روش‌ها و مدل‌های گوناگون ارزیابی اثرگذاری پژوهش در علوم اجتماعی و انسانی نشان دادند که مفهوم «اثرگذاری پژوهش» در این حوزه بسیار متنوع و چندبُعدی است و هیچ شاخص یا مدل واحدی برای سنجش آن وجود ندارد. پژوهش آن‌ها بر لزوم به‌کارگیری رویکردهای ترکیبی (کمی و کیفی) و حساس به بافت در ارزیابی تأکید دارد و پیشنهاد می‌کند ابزارهای سنجش اثرگذاری باید متناسب با اهداف، مأموریت‌ها، و شرایط خاص هر حوزه توسعه یابد. ابراهیمی درچه و دیگران (۲۰۲۴) نشان دادند که شاخص‌های کمی مبتنی بر استناد تنها بخشی محدود از کیفیت پژوهش را بازتاب می‌دهند. این مطالعه نقش محوری داوری تخصصی را برجسته کرده و استفاده از شاخص‌های کتاب‌سنجی و دگر سنج‌ها را در قالب رویکردهای تلفیقی و حساس به بافت توصیه می‌کند.

1. Thelwall & Delgado

2. Reale, E. & etall

3. Pedersen, Grønva & Hvidtfeldt

۲- دسته دوم از پژوهش‌های بررسی‌شده با توجه به محدودیت پوشش پایگاه‌های سنتی بانک‌های اطلاعاتی جامع جایگزین معرفی می‌کنند. سیورتنسن و لارسن^۱ (۲۰۱۲) به ارزیابی سودمندی شاخص‌های علم‌سنجی برای علوم انسانی و اجتماعی و بیان مشکلات مختلف استفاده از روش‌های کمی برای سنجش کیفیت پژوهش‌های این حوزه پرداخته و بر ناکافی بودن شاخص‌های علم‌سنجی سنتی برای علوم انسانی و اجتماعی تأکید کردند. آن‌ها پیشنهاد ساخت یک بانک اطلاعاتی جامع که شامل نشریات داخلی در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی است را ارائه دادند. برنمن و دیگران^۲ (۲۰۱۶) نشان دادند که گوگل اسکولار^۳ پس از نرمال‌سازی می‌تواند همچون منبعی برای ارزیابی عملکرد پژوهشی در حوزه‌هایی که پوشش ضعیفی در پایگاه‌های استنادی سنتی دارند به کار رود.

۳- برخی پژوهش‌ها به روش‌های نوین و کاربرد دگرسنجه‌ها^۴ در ارزیابی پژوهش پرداخته‌اند. ستوده و همکاران (۱۳۹۷) با مقایسه دگرسنجه‌ها با شاخص‌های مبتنی بر استناد فرصت‌های به دست آمده از وب اجتماعی در ارزیابی پژوهش را بررسی کردند. یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهد که حوزه دگرسنجی می‌تواند کاستی‌های تحلیل استنادی را بپوشاند. بنابراین، کاربرد این شاخص‌های جدید در کنار تحلیل استنادی می‌تواند نتایج ارزیابی پژوهش را به واقعیت نزدیک‌تر سازد. محمدی و ثوال^۵ (۲۰۱۳) به بررسی کاربرد دگرسنجه‌های مبتنی بر «مندلی» برای ارزیابی پژوهش در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی پرداختند. مقاله آن‌ها پیشنهاد می‌کند که شاخص خوانش مندلی همچون معیاری مکمل و زود هنگام برای سنجش تأثیر در کنار شاخص‌های سنتی استناد به کار رود. همارفلت^۶ (۲۰۱۴) به بررسی کاربرد دگرسنجه‌ها برای ارزیابی پژوهش‌های علوم انسانی پرداخت. نتایج پژوهش او نشان داد مندلی^۷ بیشترین پوشش مقالات و تویتر^۸ بیشترین پوشش کتاب‌ها را دارد، اما مشکلاتی مانند اهمیت انتشارات غیرژورنالی، اتکای به منابع چاپی، و محدودیت زبان در هر دو روش دگرسنجه‌ها و کتاب‌سنجی وجود دارد. با این حال، توسعه رویکردهای دگرسنجه‌ها نویدبخش تبدیل آن به ابزاری مؤثر برای ارزیابی پژوهش در علوم انسانی است. چن^۹ و دیگران (۲۰۱۵) با اشاره به ویژگی‌ها و اشکال متنوع انتشارات علوم انسانی و اجتماعی، شاخص‌های موجود برای ارزیابی عملکرد پژوهشی این حوزه‌ها بر اساس پایگاه‌های استنادی وب‌آو‌ساینس^{۱۰} و اسکوپوس^{۱۱} را ناکافی دانسته و استفاده از دگرسنجه‌ها را برای ارزیابی دقیق‌تر تولیدات علمی این حوزه‌ها پیشنهاد دادند. گونسالس، فورس، و تورس^{۱۲} (۲۰۲۵) در یک مرور نظام‌مند و انتقادی نشان دادند که دگرسنجه‌ها ابعاد متفاوتی از توجه و تعامل علمی و اجتماعی را نسبت به شاخص‌های استنادی سنتی می‌سنجند و اگرچه به‌تنهایی جایگزین مناسبی برای شاخص‌های سنتی نیستند، اما می‌توانند همچون مکملی، به‌ویژه در علوم انسانی و اجتماعی، به درک جامع‌تری از اثرگذاری پژوهش کمک کنند.

۴- در پژوهش‌های کاربردی ارزیابی کیفیت و اثرگذاری پژوهش مبتنی بر رویکرد «پایین به بالا»^{۱۳} و تلفیق شاخص‌های کمی کیفی و قضاوت متخصصان است. نتایج پژوهش اوکسر، هاگ، و دنیل^{۱۴} (۲۰۱۲) بیانگر آن است که شاخص‌های رایج مانند تعداد

1. Sivertsen & Larsen

2. Bornmann et al.

3. Google Scholar

4. Altmetrics

5. Mohammadi & Thelwall

6. Hammarfelt

7. Mendeley

8. Twitter

9. Chen

10. Web of Science

11. Scopus

12. González, Fors, & Torres.

13. bottom-up

14. Ochsner; Hug & Daniel

استناد بازتاب‌دهنده واقعی کیفیت در علوم‌انسانی نیستند و ارزیابی باید بر پایه رویکردی درونی و اجماعی و با ترکیب شاخص‌های کمی و قضاوت آگاهانه متخصصان انجام گیرد. اوکتر، هاگ، و دنیل (۲۰۱۴) چارچوبی برای توسعه معیارهای ارزیابی کیفیت پژوهش ارائه کردند که بر اصل «رویکرد درونی و اجماعی» میان پژوهشگران علوم‌انسانی استوار است. اوکتر، هاگ، و گالرون (۲۰۱۷)، تولدو^۲ (۲۰۱۸) و دوگان و تاشکین^۳ (۲۰۲۰) بر لزوم به‌کارگیری رویکردهای کیفی و پایین به بالا به‌جای توسعه شاخص‌های کمی جدید برای ارزیابی پژوهش‌های علوم‌انسانی تأکید می‌کنند. مولر، سالو، و سورلین^۴ (۲۰۲۴) با تمرکز بر علوم‌انسانی نشان دادند که کیفیت و اثرگذاری پژوهش در این حوزه را نمی‌توان تنها با شاخص‌های بیرونی و کمی سنجید. نتایج پژوهش آن‌ها بر ضرورت رویکردهای درون‌زا، حساس به بافت، و مبتنی بر قضاوت تخصصی پژوهشگران هر حوزه تأکید دارد و رویکردهای «پایین به بالا» را همچون راهکاری مناسب برای ارزیابی پژوهش‌های علوم‌انسانی پیشنهاد می‌کند.

۳. روش پژوهش

پژوهش حاضر با استفاده از روش مرور نظام‌مند انجام گرفته است. مرور نظام‌مند پژوهش‌های انجام‌شده در یک موضوع خاص را به‌طور مختصر و مفید در اختیار می‌گذارد و برخلاف رویکرد سنتی برای مرور مقالات از اصول و قواعد دقیق و سخت‌گیرانه پیروی می‌کند (وامقی و همکاران، ۱۳۹۰). این روش ابزاری برای مطالعه همه‌جانبه و تحلیل مطالعات مرتبط برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های پژوهش مورد نظر است (دلوی و دیگران^۵، ۲۰۱۶). برای انجام پژوهش به این روش، فرایندهای نسبتاً مشابهی را صاحب‌نظران و پژوهشگران مختلف مطرح کرده‌اند که معمولاً تفاوت‌های اندکی در نام‌گذاری فرایندها و تعداد مراحل دارند. مراحل و گام‌های مرور نظام‌مند شامل فعالیت‌های مجزایی است. اکل^۶ (۲۰۱۵) برای مرور نظام‌مند هشت گام را برمی‌شمارد:

۱. شناسایی هدف^۷.
۲. ایجاد پروتکل و آموزش تیم^۸.
۳. جست‌وجوی ادبیات^۹.
۴. غربالگری کاربردی^{۱۰} (غربالگری برای شمول) ۵.
- ارزیابی کیفیت^{۱۱}.
۶. استخراج اطلاعات^{۱۲}.
۷. ترکیب پژوهش‌ها^{۱۳}.
۸. نگارش مرور نظام‌مند^{۱۴}.

این پژوهش برای پاسخ به پرسش‌های «رویکردهای ارزیابی پژوهش‌های علوم‌انسانی و اجتماعی کدامند؟ و مدل مفهومی تلفیقی رویکردهای ارزیابی پژوهش‌های علوم‌انسانی و اجتماعی براساس مراحل چرخه پژوهش (درون‌داد، فرایند، برون‌داد، دستاورد، و تأثیر) چیست؟» انجام گرفته است. برای تبیین هشت گام مرور نظام‌مند اکل^۶ (۲۰۱۵) در پژوهش حاضر در ابتدا هدف پژوهش شناسایی شد. بررسی‌ها بیانگر آنست که تاکنون پژوهش‌های مروری در زمینه بررسی رویکردهای ارزیابی پژوهش‌های علوم‌انسانی و اجتماعی و دسته‌بندی تلفیقی رویکردها براساس مراحل چرخه پژوهش انجام نشده است. بنابراین لزوم مرور نظام‌مند حاضر برای شناسایی رویکردهای ارزیابی پژوهش‌های علوم‌انسانی و اجتماعی از دیدگاه متخصصان این حوزه روشن می‌شود. با توجه به اهمیت پژوهش

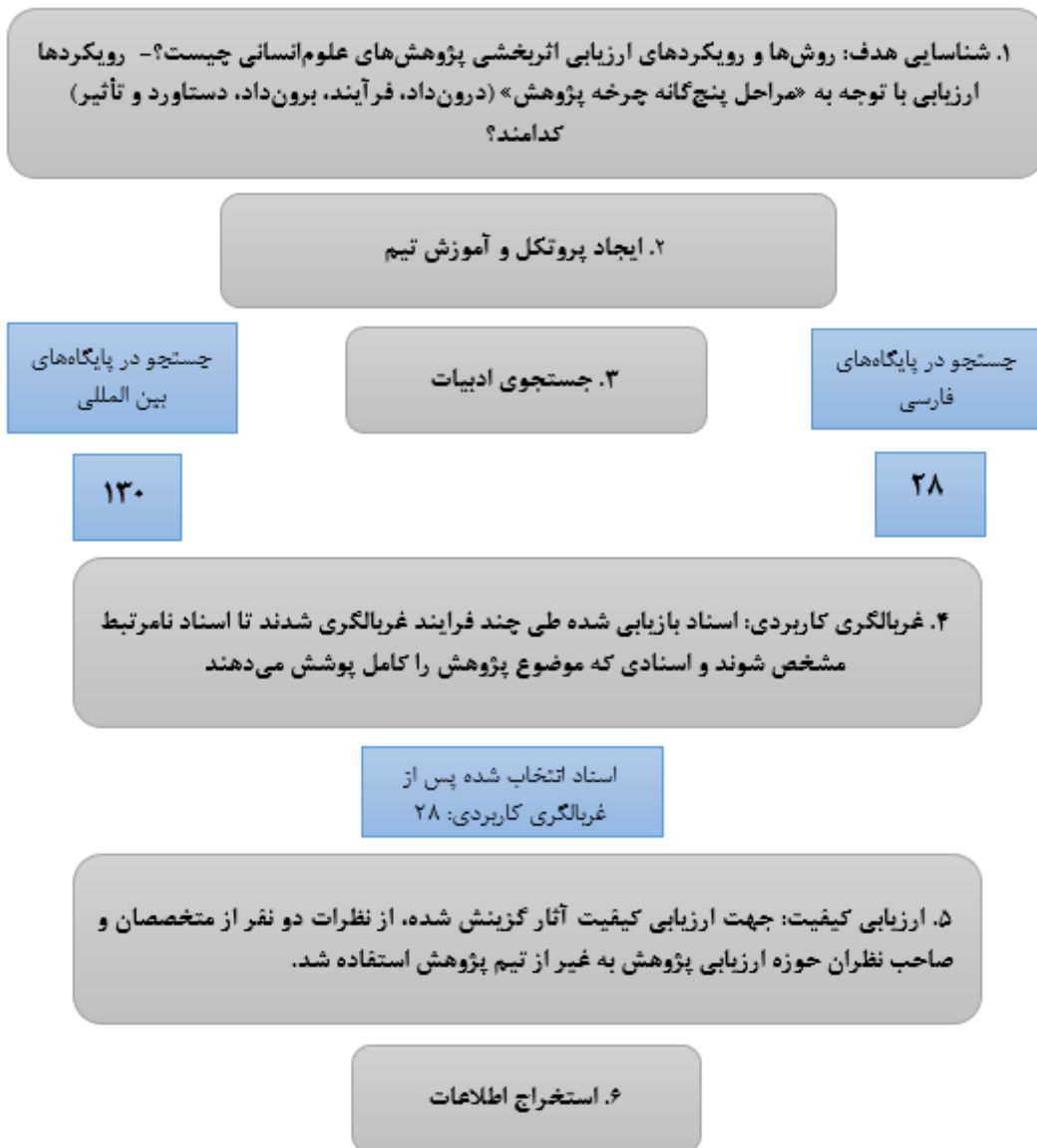
1. Ochsner, Hug & Galleron
2. Toledo, E. G.
3. Doğan & Taşkın
4. Müller, Salö & Sörlin
5. De Loe, R. C & et al
6. Okoli
7. Purpose of the Literature Review
8. Protocol and Training
9. Searching for the Literature
10. Practical Screen
11. Quality Appraisal
12. Data Extraction
13. Synthesis of Studies
14. Writing the Review

حاضر اهداف آن در دو محور تدوین شد این اهداف عبارتند: ۱. رویکردهای ارزیابی پژوهش‌های علوم‌انسانی و اجتماعی کدامند؟ ۲. مدل مفهومی تلفیقی رویکردهای ارزیابی پژوهش‌های علوم‌انسانی و اجتماعی بر اساس مراحل چرخه پژوهش (درون‌داد، فرایند، برون‌داد، دستاورد، و تأثیر) چیست؟

پس از تعیین اهداف پروتکل انجام پژوهش تنظیم شد. در این پروتکل ابزارهای جست‌وجوی متون، کلیدواژه‌های جست‌وجو، معیارهای ورود و خروج مطالعات به پژوهش، نحوه استخراج داده‌ها، و تجزیه‌وتحلیل یافته‌ها و سایر جزئیات انجام پژوهش مشخص شدند.

در گام بعدی اسناد منتشرشده در پایگاه‌های اطلاعاتی معتبر داخلی و خارجی مانند پایگاه استنادی علوم، پایگاه استنادی اسکوپوس، پایگاه استنادی علوم جهان^۱، امرالد^۲، گوگل اسکولار، مگ‌ایران، پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی، نورمگز و موارد دیگر با هدف تعیین اسناد معتبر، موثق، و مرتبط بدون بازه زمانی جست‌وجو شد تا اسناد مناسب انتخاب شود. برای جست‌وجو در منابع انگلیسی از کلیدواژه‌هایی مانند SSH research impact، Research Assessment، Approaches، social sciences، Evaluation، and humanities، altmetrics، Bibliometrics، models با ترکیب‌های مناسب استفاده شد. از جمله کلیدواژه‌های استفاده‌شده برای جست‌وجو در منابع فارسی شامل ارزیابی، سنجش، علوم‌انسانی، علوم اجتماعی، رویکرد، روش، مدل، دگر سنج‌ها، و کتاب‌سنجی بودند. تلاش شد مجموعه متنوعی از کلیدواژه‌ها برای جست‌وجو انتخاب شوند تا حداکثر ارزیابی انجام شود. نتیجه جست‌وجو فهرست قابل توجهی از اسناد گوناگون شامل مقاله، فصول کتاب، گزارش‌ها، و چارچوب‌ها مرتبط با رویکردهای اثربخشی پژوهش‌های علوم‌انسانی و اجتماعی بود. تمامی اسناد برای تحلیل‌های بیشتر ذخیره‌شده و بررسی بیشتر شدند.

در گام بعدی اسناد ارزیابی شده طی چند فرایند، غربالگری شدند تا اسناد نامرتب مشخص شوند و اسنادی که موضوع پژوهش را کامل پوشش می‌دهند به‌عنوان اسناد مرتبط انتخاب شوند. با توجه به هدف اصلی پژوهش که بررسی رویکردهای ارزیابی پژوهش‌های علوم‌انسانی و اجتماعی بود اسنادی در اولویت قرار گرفته و وارد مطالعه شدند که به رویکردها و روش‌های ارزیابی پژوهش‌های علوم‌انسانی پرداخته بودند. مقالاتی که متن کامل آن‌ها در دسترس نبود، مقالاتی که از کیفیت علمی و محتوایی لازم برخوردار نبودند، خلاصه مقالات و گزارش‌ها، و مقالاتی که مدل‌ها و رویکردهای مشترک با سایر حوزه‌ها را معرفی می‌کردند از مرور نظام‌مند حذف شدند. در مجموع ۲۸ سند برای بررسی مرتبط شناخته شده و بررسی و تحلیل شدند. برای ارزیابی کیفیت آثار گزینش شده، از نظرات دو نفر از متخصصان و صاحب‌نظران حوزه ارزیابی پژوهش به‌جز تیم پژوهش استفاده شد. بررسی نظرات متخصصان در مورد مقالات انتخاب‌شده نشان داد که همه آن‌ها از اعتبار لازم برای ورود به تحلیل برخوردار بودند. در گام بعد سیاهه‌ای تهیه شد و اطلاعات مقالات گزینش شده شامل اطلاعات کتاب‌شناختی مقاله (عنوان مقاله، اسامی نویسندگان، سال انتشار، عنوان نشریه، شماره چاپ، و شماره صفحات)، اهداف مطالعه، روش پژوهش، خلاصه‌ای از یافته‌ها، و نتایج پژوهش مرتبط با اهداف مطالعه حاضر برای مطالعه در آن ثبت شد و در گام بعد تجزیه‌وتحلیل اطلاعات انجام گرفت که حاصل کل فرایند مرور نظام‌مند است و گام آخر یافته‌های پژوهش همراه با روند پژوهش با جزئیات کافی در مقاله حاضر ارائه شد. گام‌های مرور نظام‌مند پژوهش حاضر در نمودار ترسیم شده است.



شکل ۱. مراحل و گام‌های مرور نظام‌مند پژوهش

۴. یافته‌های پژوهش

رویکردها و روش‌های ارزیابی پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی کدامند؟

در پاسخ به پرسش رویکردها و روش‌های ارزیابی بررسی‌های ما نشان می‌دهد که رویکردهای ارزیابی اثربخشی پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی طیف وسیعی را در بر می‌گیرد که هر کدام بر ابعاد متفاوتی از کیفیت و تأثیر پژوهش تمرکز دارند. یافته‌های پژوهش درباره رویکردهای ارزیابی پژوهش در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱. رویکردها و روش‌های ارزیابی پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی

سال	نوع سند	روش و رویکرد ارزیابی	سند
۲۰۱۰	پژوهشی	کتاب‌سنجی	Durieux, V., & Gevenois, P. A. (2010).

سند	روش و رویکرد ارزیابی	نوع سند	سال
Bibliometric indicators : quality measurements of scientific publication. <i>Radiology, 255(2), 342-351.</i>	شاخص‌های کمیت (تعداد انتشارات، تعداد انتشارات در مجلات با رتبه بالا)، شاخص‌های کیفیت (ضریب تاثیر، اینگن فاکتور)، شاخص‌های عملکرد پژوهشگر (اچ- ایندکس)		
Sivertsen, G., & Larsen, B. (2012). Comprehensive bibliographic coverage of the social sciences and humanities in a citation index : an empirical analysis of the potential. <i>Scientometrics, 91(2), 567-575.</i>	کتاب‌سنجی (نماینه استنادی جامع برای علوم انسانی)	پژوهشی	۲۰۱۲
Ochsner, M., Hug, S. E., & Daniel, H.-D. (2012). Indicators for research quality for evaluation of humanities research : Opportunities and limitations. <i>Bibliometrie - Praxis und Forschung, 1, 1-17.</i>	کتاب‌سنجی، داوری همتا / ارزیابی تخصصی، رویکرد پایین به بالا، رویکرد درونی و اجماعی	پژوهشی	۲۰۱۲
De Jong, S., Barker, K., Cox, D., Sveinsdottir, T., & Van den Besselaar, P. (2013). <i>Understanding societal impact through studying productive interactions.</i> Den Haag : Rathenau Instituut.	ارزیابی ذی‌نفعان / کاربران (تعاملات گسترده با ذی‌نفعان- شبکه‌های پیچیده ذی‌نفعان)	پژوهشی	۲۰۱۳
Buschman, M., & Michalek, A. (2013). Are alternative metrics still alternative?. <i>Bulletin of the American Society for Information Science and Technology, 39(4), 35-39.</i>	دگرسنجه‌ها (پست‌های بلاگ، دانلود، مشاهده، توییت، لایک)، کتاب‌سنجی (تحلیل استناد)، پایگاه‌های داده کتابخانه‌ای)	پژوهشی	۲۰۱۳
Mohammadi, E.; Thelwall, M. (2014). Mendeley Readership Altmetrics for the and Humanities : Research Social Sciences Evaluation and Knowledge Flows. <i>Journal of the Association for Information Science and Technology, 65(8), 1627-38.</i>	دگرسنجه‌ها (خوانندگی مندلی ^۱)	پژوهشی	۲۰۱۴
Ochsner, M.; Hug, S. E.; Daniel, H. D. (2014). Setting the stage for the assessment of research quality in the humanities. Consolidating the results of four empirical studies. <i>Zeitschrift fur Erziehungswissenschaft, 17(6), 111-132.</i>	رویکرد درون به بیرون، رویکرد پایین به بالا، داوری همتا / ارزیابی تخصصی	پژوهشی	۲۰۱۴
Hammarfelt, B. (2014). Using altmetrics for	دگرسنجه‌ها، کتاب‌سنجی	پژوهشی	۲۰۱۴

سند	روش و رویکرد ارزیابی	نوع سند	سال
assessing research impact in the humanities. <i>Scientometrics</i> , 101(2), 1419-1430.			
Thelwall, M., & Delgado, M. M. (2015). Arts and humanities research evaluation : no metrics please, just data. <i>Journal of Documentation</i> , 71(4), 817-833.	داده‌های کیفی و کمی (بافت محور)	پژوهشی	۲۰۱۵
Chen, K. H.; Tang, M. C.; Wang, C. M.; Hsiang, J. (2015). Exploring alternative metrics of scholarly performance in the social sciences and humanities in Taiwan. <i>Scientometrics</i> , 102(1), 97-112.	کتاب‌سنجی، دگرسنجه‌ها	پژوهشی	۲۰۱۵
Hammarfelt, B. (2016). Beyond coverage : Toward a bibliometrics for the humanities. In <i>Research assessment in the humanities</i> (pp. 115-131). Springer, Cham.	کتاب‌سنجی (انتقادی)، شاخص استنادی کتاب، استفاده از گوگل اسکالر و گوگل بوک برای تحلیل استنادات داده‌شده به کتب و مقالات، دگرسنجه‌ها، شاخص‌های مبتنی بر داده‌های مستخرج از وب اجتماعی (مانند توئیتر و مندلی)	فصل کتاب	۲۰۱۶
Prins, A. A., Costas, R., van Leeuwen, T. N., & Wouters, P. F. (2016). Using Google Scholar in research evaluation of humanities and social science programs : A comparison with Web of Science data. <i>Research Evaluation</i> , 25(3), 264-270.	کتاب‌سنجی (کتاب‌سنجی با استفاده از گوگل اسکالر و وب‌آوساینس)، داوری هم‌تا	پژوهشی	۲۰۱۶
Bornmann, L., Thor, A., Marx, W., & Schier, H. (2016). The application of bibliometrics to research evaluation in the humanities and social sciences : An exploratory study using normalized G oogle S cholar data for the publications of a research institute. <i>Journal of the Association for Information Science and Technology</i> , 67(11), 2778-2789.	کتاب‌سنجی (گوگل اسکالر)	پژوهشی	۲۰۱۶
Federation for the Humanities and Social Sciences. (2017). <i>Approaches to assessing impacts in the humanities and social sciences</i> . Federation for the Humanities and Social Sciences.	کتاب‌سنجی، داوری هم‌تا / ارزیابی تخصصی، مطالعات موردی، پرسش‌نامه‌ها، ارزیابی ذی‌نفعان / کاربران، بررسی و تحلیل اسناد، مصاحبه، کارگاه‌ها و گروه‌های کانونی	گزارش سازمانی	۲۰۱۷
Ball, R. (2017). Bibliometrics in the Humanities and Social Sciences : Special Forms and Methods. In <i>An introduction to</i>	شاخص‌های کتاب‌سنجی شاخص‌های کیفی	فصل کتاب	۲۰۱۷

سال	نوع سند	روش و رویکرد ارزیابی	سند
			<i>bibliometrics: New development and trends.</i> Chandos Publishing.
۲۰۱۷	پژوهشی	رویکرد پایین به بالا، کتاب‌سنجی (با نگاه انتقادی)، داوری هم‌تا (داوری هم‌تای آگاهانه)	Ochsner, M., Hug, S., & Galleron, I. (2017). The future of research assessment in the humanities : bottom-up assessment procedures. <i>Palgrave communications</i> , 3(1), 1-12.
۲۰۱۸	مروری	کتاب‌سنجی و علم‌سنجی، گوگل اسکالر، دگرسنجه‌ها، داوری هم‌تا / ارزیابی تخصص، مطالعات موردی، ردیابی فرلیند و ثبت فعالیت‌ها، روش ترکیبی (کمی و کیفی)	Reale, E., Avramov, D., Canhial, K., Donovan, C., Flecha, R., Holm, P., ... & Van Horik, R. (2018). A review of literature on evaluating the scientific, social and political impact of social sciences and humanities research. <i>Research Evaluation</i> , 27(4), 298-308.
۲۰۱۸	پژوهشی	کتاب‌سنجی، دگرسنجه‌ها، داوری هم‌تا / ارزیابی تخصصی، پایگاه‌های داده و رتبه‌بندی ملی، نظامی منعطف، کیفی‌تر و متناسب با ماهیت پیچیده و چندبُعدی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، مخازن اثربخشی، دسترسی آزاد، شاخص‌های کمی، رویکرد پایین به بالا.	Toledo, E. G. (2018). Research assessment in Humanities and Social Sciences in review. <i>Revista Española de Documentación Científica</i> , 41(3), 1-14.
۲۰۲۰	پژوهشی	رویکردهای کیفی، رویکردهای پایین به بالا	Doğan, G., & Taşkın, Z. (2020). Humanities : the outlier of research assessments. <i>Information</i> , 11(11), 540.
۲۰۲۰	پژوهشی (مرور نظام‌مند)	مصاحبه، مطالعات موردی، پرسش‌نامه‌ها، ارزیابی متخصصان، پایگاه‌های داده آماری، داده‌های تجاری‌سازی، کتاب‌سنجی، برنامه‌های اثربخشی، قالب‌ها و مدل‌های منطقی، کارگاه‌ها، گروه‌های کانونی، ارزیابی ذی‌نفعان/کاربران، پایگاه‌های داده اثر پژوهش، دگرسنجه‌ها، ردیابی اثرات پژوهش، ثبت فعالیت‌ها و اقدامات، بازبینی و تحلیل اسناد، بازدیدهای میدانی / بازدیدهای محلی	Pedersen, D.B., Grønvald, J.F. and Hvidtfeldt, R., 2020. Methods for mapping the impact of social sciences and humanities—A literature review. <i>Research Evaluation</i> , 29(1), pp.4-21.
۲۰۲۴	پژوهشی	داوری هم‌تا / ارزیابی تخصص، کتاب‌سنجی، دگرسنجه‌ها، ارزیابی مبتنی بر هدف و چند معیاره	Ebrahimi Dorcheh, E., Mansouri, A., Pashootanzadeh, M., Mirbagherifard, A.-A., & Shabani, A. (2024). Determining and prioritizing the evaluation criteria of humanities scientific outputs : A case study of language and literature fields. <i>Journal of Scientometric Research</i> , 13(1), 1-12.

سال	نوع سند	روش و رویکرد ارزیابی	سند
۲۰۲۵	پژوهشی (مرور نظام‌مند)	دگرسنجه‌ها، کتاب‌سنجی / علم‌سنجی سنتی، داوری هم‌تا / ارزیابی تخصصی	González, J., Fors, D., & Torres, D. (2025). Altmetrics in the evaluation of scholarly impact: A systematic and critical literature review. <i>Frontiers in Research Metrics and Analytics, 10</i> (1), 1-17.
۲۰۲۵	پژوهشی	داوری هم‌تا / ارزیابی تخصصی، ارزیابی مبتنی بر رویکرد پایین به بالا، رویکرد درونی و اجماعی	Müller, M., Salö, L., & Sörlin, S. (2024). Quality from within: Entry points to research quality in the humanities. <i>Research Evaluation, 33</i> (4), 1-13.
۱۳۸۶	پژوهشی	ترکیبی از شاخص‌های کمی و کیفی شاخص‌های علم‌سنجی (نرخ استناد، ضریب تأثیر، شاخص فوریت)	داورپناه، م. (۱۳۸۶). چالش‌های علم‌سنجی در حوزه علوم انسانی در مقایسه با سایر حوزه‌های علم، مطالعات تربیتی و روان‌شناسی، ۲۸(۱)، ۱۴۶-۱۲۵.
۱۳۹۰	علمی - ترویجی	کتاب‌سنجی، دگرسنجه‌ها، داوری هم‌تا / ارزیابی تخصصی، پرسش‌نامه، مطالعات موردی، بررسی و تحلیل اسناد	جمالی مهمویی، ح. (۱۳۹۰). ارزیابی پژوهش رویکردها، شیوه‌ها، و چالش‌ها. رهیافت، ۴۹(۱)، ۵۲-۳۹.
۱۳۹۵	پژوهشی	روش ترکیبی شامل شاخص‌های کمی، داوری کیفی خبرگان	حیدری، م. و میرزایی، ع. (۱۳۹۵). تفاوت‌های علوم تجربی، علوم اجتماعی و علوم انسانی از نگاه شاخص‌های علم-سنجی موسسه اطلاعات علمی (ISI)، علم‌سنجی کاسپین، ۱۳(۱)، ۲۳-۲۹.
۱۳۹۷	پژوهشی	دگرسنجه‌ها	ستوده، ه.، روایی، م.، و میرزایی، م. (۱۳۹۷). مقایسه فرصت‌های دگرسنجی و تحلیل استنادی در ارزیابی پژوهش. پردازش و مدیریت اطلاعات (علوم و فناوری اطلاعات)، ۱۳(۱)، ۱۱۳-۱۳۸.
۱۳۹۹	پژوهشی	ترکیبی از شاخص‌های کمی و کیفی	قنادی نژاد، ف. و حیدری، غ. (۱۳۹۹). روش‌ها و شاخص‌های ارزیابی تولیدات علمی در علوم انسانی و اجتماعی: مرور نظام‌مند. پژوهش‌نامه علم‌سنجی، ۱۲(۱)، ۲۰۳-۲۳۰.

همان‌طور که جدول ۱ یافته‌های پژوهش در مورد رویکردها و روش‌های ارزیابی پژوهش‌های علوم‌انسانی و اجتماعی نشان می‌دهد این رویکردها و روش‌ها طیف وسیعی شامل روش‌های کمی (مانند تحلیل استنادات و داده‌های تجاری‌سازی) و روش‌های کیفی (مانند مطالعات موردی، مصاحبه‌ها، و بازبینی‌های میدانی) بوده که براساس مرور متون به شرح ذیل هستند:

کتاب‌سنجی^۱

روش‌های کتاب‌سنجی بیشتر بر ارزیابی اثربخشی علمی پژوهش‌ها تمرکز دارند که با شاخص‌هایی چون تعداد مقالات، ارجاعات، هم‌نویسندگی‌ها و غیره سنجیده می‌شود. با این حال، داده‌های کتاب‌سنجی شامل اطلاعاتی درباره نتایج پژوهشی مانند مجموعه‌های داده، مواد شیمیایی، نرم‌افزارها، تعاملات پژوهشگران و ... است. کتاب‌سنجی به‌مثابه یک روش آماری معتبر برای ارزیابی و رتبه‌بندی عملکردهای علمی شناخته می‌شود (ووترز و کوستاس^۲، ۲۰۱۲). تحلیل استنادات مانند شاخص اچ ایندکس^۳ امکان بررسی این که آیا پژوهش‌ها با کیفیت انجام شده و سایر پژوهشگران در همان حوزه به آن‌ها استناد می‌دهند، را فراهم می‌کند. تحلیل‌های کتاب‌سنجی می‌توانند به تقویت عینیت و شفافیت فرایند ارزیابی پژوهش کمک کرده و نمایی از الگوهای انتشار و شبکه‌های علمی ارائه دهند که از

1. Bibliometrics
2. Wouters & Costas
3. Hindex

دیدگاه پژوهشگر فردی قابل مشاهده نیست. این تحلیل‌ها اطلاعات مفیدی در مورد چگونگی ارتباط، رشد یا افول حوزه‌های پژوهشی خاص در طول زمان فراهم کنند (آکادمی سلطنتی علوم هلند^۱، ۲۰۰۵).

با این حال، در مقالات و منابع حوزه علوم انسانی و اجتماعی انتقادات قابل توجهی از ارزیابی مبتنی بر کتاب‌سنجی مشاهده می‌شود. روش کتاب‌سنجی در ابتدا به عنوان ابزاری برای ارزیابی علوم زیستی و طبیعی توسعه یافته است، زیرا این علوم به طور سنتی الگوهای انتشار و استناد را به شکلی نظام‌مند ثبت کرده‌اند. با این حال، پوشش علوم اجتماعی و انسانی در پایگاه‌های داده اصلی کتاب‌سنجی همواره محدود بوده و نتوانسته تصویری جامع و منسجم از انتشارات (از جمله تک‌نگاشت‌ها) و استنادات ارائه دهد. برای مثال، نتایج پژوهش‌های متعددی بر اهمیت انتشاراتی غیر از مقاله در علوم اجتماعی و انسانی تأکید کرده‌اند، همچنین به فراوانی انتشارات به زبان‌های غیرانگلیسی اشاره دارند که در شرایط کنونی با شاخص‌های استاندارد کتاب‌سنجی قابل سنجش نیستند. بر اساس انتقادات مطرح شده، پژوهشگران علوم اجتماعی و انسانی بر این عقیده‌اند که مفهوم «کیفیت» بستگی به هر رشته دارد. از این رو، مقایسه الگوهای انتشار یا استناد ممکن است از نظر تحلیلی با چالش‌هایی روبه‌رو شود (ندرهوف^۲، ۲۰۰۶). واکنش‌ها به این انتقاد معمولاً به دو دسته تقسیم می‌شود: یک گروه بر ایجاد شاخص‌های بهتر برای علوم اجتماعی و انسانی و بهبود سوابق انتشار و استناد تمرکز دارند، در حالی که گروه دیگر با استفاده از شاخص‌ها و تلاش برای توسعه این شاخص‌ها در تمام حوزه‌های پژوهشی مخالفند (رافلز^۳، ۲۰۱۲؛ زوکال^۴، ۲۰۱۲). با وجود این محدودیت‌ها، کتاب‌سنجی به طور کلی به عنوان روش مفید در ارزیابی کیفیت پژوهش شناخته می‌شوند، مشروط بر اینکه به طور مسئولانه و با احتیاط استفاده شوند. با این حال، در زمینه علوم اجتماعی و انسانی، شاخص‌های کتاب‌سنجی تنها بخش اندکی از ارتباطات نوشتاری میان پژوهشگران را پوشش می‌دهند و هیچ نشانه‌ای از تعامل وسیع‌تر با جامعه گسترده‌تر را نشان نمی‌دهند (بورنمن^۵، ۲۰۱۴).

دگر سنج‌ها

دگر سنج‌ها به بررسی افزایش توجه به ارتباطات گسترده‌تر، اشتراک‌گذاری، و بهره‌برداری از پژوهش‌ها از راه رسانه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های دیجیتال مانند توئیتر، فیس‌بوک، وبلاگ‌ها، و سرویس‌های اشتراک‌گذاری دیجیتال همچون مندلی^۶، سایت یولایک^۷، آلت‌متریک^۸، و ایمپکت استوری^۹ می‌پردازد. دگر سنج‌ها همچنین شامل خروجی‌هایی می‌شوند که لزوماً محصولات دیجیتال نیستند، مانند گزارش‌های سیاستی^{۱۰}، اسناد تحلیلی تخصصی یا طراحی‌ها^{۱۱}. از این منابع می‌توان انواع مختلفی از داده‌ها را به عنوان شاخص

1. KNAW
2. Nederhof
3. Rafols
4. Zuccal
5. Bornmann
6. Mendeley
7. Cite U Like
8. Altmetric.com
9. Impact Story
10. Policy Reports
11. White Papers, Or Designs

گردآوری کرد، داده‌هایی مانند استنادها، بازدیدها^۱، دانلودها، کلیک‌ها، توییت‌ها، اشتراک‌گذاری‌ها، لایک‌ها^۲، نشان‌گذاری‌ها^۳ و نظرات^۴ (هولمبرگ و تلوال^۵، ۲۰۱۴؛ همرفلت^۶، ۲۰۱۴)

روش‌های دگرسنجی نیز محدودیت‌هایی دارند. داده‌های دگرسنجی به‌گونه‌ای تولید نمی‌شوند که به‌راحتی بین رشته‌های مختلف پژوهشی و یا حتی موضوعات و حوزه‌های پژوهشی گوناگون قابل مقایسه باشند (مشکل نرمال‌سازی). علاوه بر این، اغلب مشخص نیست که یک استناد، ذکر یا دانلود دقیقاً نشان‌دهنده چه چیزی است. برخلاف استنادهای مقالات علمی که استاندارد و شفاف هستند، استنادها و ارجاعات در گزارش‌های سیاستی یا رسانه‌های اجتماعی وضوح کمتری دارند. به پژوهش‌هایی که در این زمینه‌ها به کار می‌روند همیشه استناد نمی‌شود و همچنین همه مواردی که استناد می‌شوند، لزوماً به‌طور واقعی استفاده نشده‌اند. در نتیجه، هنوز دانش کافی در مورد میزان اعتبار، روایی، و بستر استفاده از شاخص‌های خاص و دگرسنجه‌ها وجود ندارد. بنابراین، توصیه می‌شود که از دگرسنجه‌ها با دقت و تأمل استفاده شود و نه به‌عنوان روش اصلی برای ارزیابی اثربخشی اجتماعی پژوهش. با این حال، توجه روزافزون به تلاش‌های ارتباطی گسترده‌تر، بی‌تردید در بررسی انتشار گسترده دانش و یافته‌های پژوهشی دارای اهمیت است. این رویکرد می‌تواند برای فعالیت‌های حوزه علوم انسانی و اجتماعی که به تولید انواع متنوعی از خروجی‌ها برای بخش‌های مختلف جامعه شناخته می‌شوند، مفید و ثمربخش باشد (ویلزدون^۷ و همکاران، ۲۰۱۵؛ هیکس^۸ و همکاران، ۲۰۱۵).

آمار تجاری‌سازی^۹

آمار تجاری‌سازی بیشتر برای سنجش پیامدهای اقتصادی به‌ویژه در حوزه انتقال فناوری و تعامل با بخش صنعت استفاده می‌شود. شاخص‌های استناد دارد در این زمینه شامل ثبت اختراع (پتنت)، صدور مجوز، پروژه‌های مشترک پژوهش و توسعه، قراردادهای پژوهشی، سرمایه‌گذاری صنعتی، و تأسیس شرکت‌های زایشی^{۱۰} هستند. افزون بر این، داده‌های تجاری‌سازی می‌تواند برای تحلیل انواع دیگری فعالیت‌های کارآفرینانه نیز استفاده می‌شود. با این حال، مقایسه پیامدهای تجاری مختلف به‌ویژه میان رشته‌ها و زمینه‌های متفاوت اغلب دشوار است. روش‌های مبتنی بر داده‌های تجاری ممکن است برای سنجش اثر اقتصادی و فناورانه در علوم طبیعی و فنی مناسب باشند، اما برای علوم انسانی و اجتماعی مناسب نیستند، زیرا اثرگذاری در این حوزه‌ها بیشتر از راه کانال‌های غیراقتصادی مانند گزارش‌های سیاستی، نشست‌های ذی‌نفعان، سخنرانی‌های عمومی، یا انتشار کتاب‌های عمومی شکل می‌گیرد. این موضوع موجب انتقاد گسترده از تمرکز محدود بر پیامدهای تجاری شده و تأکید می‌کند که اثرگذاری پژوهش در یک نظام اجتماعی- فناورانه گسترده‌تر شکل می‌گیرد و تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی و غیراقتصادی است. پژوهش درباره موضوعاتی مانند زیرساخت‌های پایدار، خدمات عمومی، مهاجرت، ارزش‌ها یا فهم میان‌فرهنگی می‌تواند اثر اقتصادی قابل توجهی داشته باشد هرچند این اثرات را نمی‌توان به‌طور مستقیم با شاخص‌های اقتصادی استاندارد سنجید (پدرسن، گرونوا و هویدفالت^{۱۱}، ۲۰۲۰).

1. Views
2. Likes
3. Bookmarks
4. Comments
5. Holmberg & Thelwall
6. Hammarfelt
7. Wilsdon
8. Hicks et al
9. Commercialisation Statistics
10. Spin-Outs
11. Pedersen, Grønva & Hvidtfeldt

مخازن یا پایگاه‌های داده تأثیر پژوهش^۱

مخازن یا پایگاه‌های داده تأثیر پژوهش را می‌توان به‌مثابه بخشی از سیاست‌ها و برنامه‌های علم باز^۲ در نظر گرفت که بر افزایش شفافیت پژوهش و تسهیل همکاری و تبادل دانش در سطح گسترده‌تر متمرکز است (کمیسیون اروپا^۳، ۲۰۱۵). پایگاه‌ها و مخازن داده متنوع امکان شنا سابی افراد کلیدی - چه هم‌تایان دانشگاهی و چه همکاران خارج از محیط دانشگاه - مرتبط با پروژه‌های پژوهشی خاص را فراهم می‌کنند. این پایگاه‌ها همچنین اجازه می‌دهند که نتایج پژوهش و داده‌های تجربی به‌طور گسترده به اشتراک گذاشته شده و در دسترس مخاطبان قرار گیرند. مخازن داده^۴ امکان انجام مطالعات تجربی اکتشافی بر اساس داده‌های جمع‌آوری شده را فراهم می‌کنند. چنین پژوهش‌هایی می‌توانند تصویری جامع، دقیق، و غنی از تأثیر علمی و اجتماعی پژوهش‌ها در رشته‌ها و حوزه‌های مختلف ارائه دهند. با این حال بهره‌گیری از این رویکردها با چالش‌هایی مهم همراه است. پژوهشگران برای مستند سازی مسیرها و اثرگذاری پژوهش باید زمان قابل توجهی صرف کنند و همچنین مسائل اخلاقی و امنیتی مرتبط با اشتراک و استفاده از داده‌ها، به‌ویژه در زمینه حفاظت از اطلاعات حساس، باید در کانون توجه قرار گیرند. افزون بر این، مخازن باز^۵ ممکن است به‌طور کامل در دسترس تمامی کاربران و گروه‌های هدف مورد نظر نباشند و مدیریت و نگهداری آن‌ها می‌تواند پرهزینه و زمان‌بر باشد (کالج کینگز لندن و دیجیتال ساینس^۶، ۲۰۱۵).

داوری هم‌تا / ارزیابی تخصص^۷

داوری هم‌تا به‌مثابه یکی از مهمترین روش‌ها برای تضمین کنترل کیفیت^۸ در حوزه‌های مختلف علمی شناخته می‌شود (ویلزدون و همکاران، ۲۰۱۵). در داوری هم‌تا، کیفیت پژوهش از سوی هم‌تایان پژوهشگر^۹ یا متخصصان بیرونی^{۱۰} ارزیابی می‌شود. این ارزیابی‌ها می‌توانند با شاخص‌های بیرونی کیفیت^{۱۱} نیز پشتیبانی شوند؛ شاخص‌هایی که فراتر از محتوای خود نتایج پژوهش قرار دارند. شاخص‌های کیفیت می‌توانند شامل شاخص‌های خروجی مانند انتشار در مجلات با ارجاع بالا^{۱۲} یا شاخص‌های کتاب‌سنجی و شاخص‌های منزلت و اعتبار علمی^{۱۳} مانند جوایز، موقعیت‌های دانشگاهی یا علمی^{۱۴} و سایر شواهد مربوط به به رسمیت شناخته شدن بیرونی^{۱۵} باشند (کمیته سلطنتی علوم هلند، ۲۰۰۵). داوری هم‌تایان یکی از روش‌های انعطاف‌پذیر و بسیار معتبر ارزیابی پژوهش به شمار می‌رود و این قابلیت را دارد که در مراحل مختلف چرخه پژوهش به کار گرفته شود. این رویکرد در سنجش اثرات اجتماعی پژوهش سودمند بوده و در فرایندهایی همچون تخصیص بودجه پژوهشی و ارزیابی‌های میان‌دوره‌ای و نهایی نقشی محوری ایفا می‌کند (هولدربرک و فرودمن^{۱۶}، ۲۰۱۱). همچنین داده‌ها و شواهد مربوط به اثرات پژوهش را می‌توان با امتیازدهی به تأثیر کمی سازی

1. Impact Repositories
2. Open Science
3. European Commission
4. Repositories
5. Open Repositories
6. King's College London and Digital Science
7. Peer Review/Expert Review
8. Quality Control
9. Researchers' Peers
10. External Experts
11. External Quality Indicators
12. Publication In Highly Cited Journals
13. Indicators Of Esteem
14. Scholarly Positions
15. External Recognition
16. Holbrook & Frodeman

کرد. با این حال، به دلیل نقش فراگیر داوری همتایان در نظام علم، کاربرد آن در سنجش اثرات همواره موضوع بحث و مناقشه بوده است. یکی از انتقادهای وارد شده آن است که این روش بیشتر بیش از آن که سنجش واقعی از میزان اثر پژوهش ارائه دهد، به تعیین یک آستانه پذیرش برای ارزیابی‌ها منجر می‌شود. افزون بر این، داوران ممکن است در معرض سوگیری‌های مبتنی بر شهرت پیشینی پژوهشگران قرار گیرند و به گونه‌ای ناآگاهانه آثار پژوهشگران شناخته شده را ترجیح دهند، پدیده‌ای که در ادبیات علم با عنوان اثر متیو^۱ شناخته می‌شود. داوری همتایان همچنین روشی زمان‌بر و از نظر اجرایی پرهزینه است، زیرا نیازمند مشارکت تعداد قابل توجهی از متخصصان است. افزون بر آن ارزیابی اثر پژوهش با این روش مستلزم آن است که داوران از دانش تخصصی عمیق و آگاهی دقیق نسبت به زمینه پژوهش برخوردار باشند (کمیته سلطنتی علوم هلند ۲۰۰۵، ۲۰۱۰؛ ویلزدون و همکاران، ۲۰۱۵).

مصاحبه^۲

مصاحبه یکی از روش‌های کیفی^۳ ارزیابی اثربخشی پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی است که در بسیاری از مطالعات به کار رفته و به‌مثابه یکی از پرکاربردترین روش‌ها شناخته می‌شود. در این روش، با استفاده از راهنمای مصاحبه^۴، داده‌ها به صورت ساختاریافته جمع‌آوری می‌شوند که این امکان را فراهم می‌سازد تا نتایج حاصل از مصاحبه‌ها قابل مقایسه باشند.

مصاحبه‌ها معمولاً شامل پژوهشگران، شرکای پروژه^۵، و کاربران نهایی^۶ می‌شوند و امکان تعامل انعطاف‌پذیر میان مصاحبه‌گر و مصاحبه‌شونده فراهم می‌آید، به گونه‌ای که مصاحبه‌شونده می‌تواند شرایط پاسخ‌دهی به پرسش‌ها را تعیین و مصاحبه‌گر نیز پرسش‌ها را متناسب با پاسخ‌ها تنظیم کند. این روش می‌تواند در مراحل مختلف پژوهش از جمله در ابتدای پژوهش برای شناسایی ذی‌نفعان^۷، در جریان پژوهش برای بررسی اثرات مرتبط با توسعه سیاست‌ها و عملکردهای عملی، و پس از پایان پروژه برای ارزیابی نهایی اثربخشی استفاده شود. با وجود مزایای فراوان، مصاحبه‌ها دارای محدودیت‌هایی نیز هستند از جمله نبود آگاهی کامل اطلاع‌رسانان کلیدی نسبت به مسیرهای غیرمستقیم اثربخشی^۸ که به تدریج اتفاق می‌افتد و احتمال ایجاد برداشت‌های مثبت^۹ که منشأ آن‌ها پژوهش نباشد. همچنین انتخاب مصاحبه‌شوندگان کلیدی دشوار است و نیاز به آموزش مصاحبه‌گران برای تضمین کیفیت داده‌ها وجود دارد. فرایند پیاده‌سازی^{۱۰}، تحلیل، و مقایسه داده‌ها بسیار زمان‌بر است (بواز، فیتزپاتریک و شا^{۱۱}، ۲۰۰۹).

مطالعات موردی (روایت‌محور)^{۱۲}

مطالعات موردی روشی محوری هستند که تقریباً در تمامی چارچوب‌های ارزیابی^{۱۳} جای می‌گیرند. این روش دارای چندین مزیت کلیدی است. مطالعات موردی توانایی مقابله با درجه بالایی از پیچیدگی را دارند و قادرند مسیرهای مشخصی که به کاربرد^{۱۴}، پذیرش^{۱۵}، و اثربخشی پژوهش در شرایط واقعی منجر می‌شود را توصیف کنند. مطالعات موردی در ارزیابی اثربخشی در حوزه علوم انسانی و

1. Matthew Effect
2. Interview
3. Qualitative Method
4. Interview Guide
5. Project Partners
6. End Users
7. Stakeholders
8. Indirect Pathways Of Impact
9. Positive Ascriptions
10. Transcription
- 11 Boaz, Fitzpatrick, & Shaw
12. Case-Studies (Narrative Approaches)
13. Assessment Frameworks
14. Use
15. Uptake

اجتماعی بسیار محبوبند، زیرا به پژوهشگران و مؤسسه‌ها اجازه می‌دهند طیف گسترده‌ای از مسیرهای اثربخشی^۱ از جمله اثربخشی سیاستی، بهداشتی، اقتصادی، و فرهنگی را نمایش دهند؛ حوزه‌هایی که معمولاً با رویکردهای داده‌محور مانند اقتصادسنجی^۲، کتاب‌سنجی یا روش‌های مشابه پوشش داده نمی‌شوند. روش مطالعه موردی این فرصت منحصر به فرد را در اختیار واحدهای پژوهشی قرار می‌دهد تا یک روایت منسجم^۳ ایجاد کنند که در آن مشخص می‌شود چه کسانی از نتایج پژوهش بهره‌مند شده‌اند یا از آن تأثیر پذیرفته‌اند (بواز، فیتزپاتریک و شا، ۲۰۰۸؛ بورنمن، ۲۰۱۳). با این حال، انتقاداتی نیز نسبت به این روش مطرح شده است. مهمترین آن‌ها، نبود عینیت^۴ است، زیرا مقایسه و رتبه‌بندی مطالعات موردی مختلف می‌تواند دشوار باشد. همچنین این روش بیشتر به پژوهش‌های اخیر (تولیدشده در چرخه ارزیابی کنونی) اولویت می‌دهد و به اثرات بلندمدت پژوهش‌ها توجهی ندارد. یکی دیگر از انتقادات این است که همه انواع پژوهش‌ها قادر به ارائه شواهد روشن و بی‌ابهام از اثرات خاص خود نیستند. روش‌هایی^۵ بیشتر بر اثرات مشهود و نمونه‌های برجسته تأکید دارد تا آن دسته از اثرات کم‌تر قابل مشاهده ولی فراگیر که در فرایند پژوهش ایجاد می‌شوند. علاوه بر این، خطر ایده‌آل‌سازی مسیرها و نتایج اثربخشی وجود دارد، چرا که اغلب به موانع، بازخوردهای منفی، ناکامی‌ها، یا اثرات منفی توجه نمی‌شود. در نهایت، این روش برای هم پژوهشگران و هم ارزیابان بسیار نیازمند نیروی کار است (مارتین^۶، ۲۰۱۱).

پرسش‌نامه‌ها^۷

پرسش‌نامه‌ها ابزاری کارآمد برای جمع‌آوری داده‌های کمی^۸ درباره متغیرهای متنوعی از جمله انگیزه‌ها^۹، موانع، و عوامل تسهیل‌کننده ادراک شده^{۱۰}، و انواع تعاملات میان پژوهشگران و جامعه هستند. پرسش‌نامه‌ها امکان انجام تحلیل‌های مقایسه‌ای را در طول زمان و در تمام مراحل چرخه پژوهش فراهم می‌آورند. با وجود این مزایا، این روش با محدودیت‌هایی نیز روبه‌رو است. نخست آن‌که پیمایش‌ها بیشتر شواهد خوداظهاری ارائه می‌دهند که بیشتر به نقشه‌برداری از مشارکت‌ها و فعالیت‌ها از دیدگاه واحد ارزیابی می‌پردازد، نه به تغییرات واقعی و اثرات ملموس. محدودیت دیگر آن است که پیمایش‌ها فرض می‌کنند اثرگذاری پژوهش قابل سنجش کمی و قابل ثبت ابا پرسش‌نامه‌های استاندارد است. با این حال، قابل بحث است که آیا تلاش‌های انتشار یافته، روابط، و تعاملات با تصمیم‌گیرندگان سیاستی واقعاً نشانگر اثرگذاری هستند یا تنها احتمال آن را منعکس می‌کنند. در بسیاری از موارد، تنها تعداد محدودی روابط مستقیم میان پژوهش و تغییر سیاست قابل شناسایی است، در حالی که روابط غیرمستقیم‌تر ممکن است تأثیر بر سیاست را نشان دهند. از این رو، جمع‌بندی تنها تعداد تعاملات^{۱۱}، فعالیت‌ها، و خروجی‌ها ممکن است به شاخص‌های واضح اثربخشی منجر نشود و لازم است که این داده‌ها با سایر روش‌ها تکمیل شوند. در نتیجه، پرسش‌نامه‌ها اغلب نیازمند به‌کارگیری

1. Impact Pathways
2. Econometric
3. Coherent Narrative
4. Lack Of Objectivity
5. Narrative Method
6. Martin
7. Surveys
8. Quantitative Data
9. Motivations
10. Perceived Barriers And Enablers
11. Engagements

روش‌های مکمل^۱ برای اعتبارسنجی شواهد خوداظهاری از جمله مصاحبه‌های کیفی^۲، گروه‌های متمرکز^۳ و کارگاه‌ها^۴ هستند (بواز، فیتزپاتریک و شا، ۲۰۰۸، ۲۰۰۹).

برنامه‌ها و قالب‌های ارزیابی اثر و نظریه تغییر^۵

برنامه‌های اثرگذاری می‌توانند به صورت پس‌نگرانه^۶ تدوین شوند تا زمینه، فعالیت‌ها، و برون‌دادهای پژوهشی را که بر جامعه تأثیرگذار بوده‌اند، توصیف کنند. از سوی دیگر، برنامه‌های اثرگذاری می‌توانند به صورت پیش‌نگرانه^۷ نیز به کار روند تا توضیح دهند که یک پروژه چگونه انتظار می‌رود نتایج مطلوب را محقق سازد.

برنامه‌های اثرگذاری می‌توانند به صورت پس‌نگرانه^۸ طراحی شوند تا زمینه، فعالیت‌ها، و خروجی‌های پژوهشی را که بر جامعه تأثیرگذار بوده‌اند، توصیف کنند. همچنین، این برنامه‌ها می‌توانند به صورت پیش‌نگرانه^۹ به کار گرفته شوند تا نشان دهند یک پروژه چگونه انتظار می‌رود نتایج مطلوب را ایجاد کند.

نظریه تغییر^{۱۰} نقش یک نقشه راه تحلیلی را دارد که جهت‌گیری کلی پروژه را مشخص کرده و امکان پایش نظام‌مند پیامدها را برای پژوهشگران و سایر ذی‌نفعان^{۱۱} فراهم می‌کند. با این حال، به کارگیری مؤثر این رویکرد مستلزم آن است که تیم پژوهش پیش از آغاز اجرا، توصیفی دقیق و مبتنی بر شواهد از فعالیت‌ها، شرکای کلیدی، و آثار اجتماعی مورد انتظار ارائه دهد. تحقق این پیش‌نیاز در پروژه‌های نوآورانه و اکتشافی دشوار است، زیرا در این پروژه‌ها پیش‌بینی تغییرات مورد انتظار در مرحله برنامه‌ریزی به طور کامل امکان‌پذیر نیست. بنابراین، پژوهشگران باید گشودگی نظری^{۱۲} و ماهیت تدریجی و تکرارشونده پژوهش را بپذیرند، چرا که اثرگذاری پژوهش در این پروژه‌ها از ابتدا قابل پیش‌بینی یا سنجش دقیق نیست (ماین^{۱۳}، ۲۰۰۸) در حوزه علوم انسانی و اجتماعی نظریه‌های تغییر معمولاً برای تبیین پیوندهای علی مستقیم میان فعالیت‌های پژوهشی و پیامدهای اجتماعی مشخص به کار نمی‌روند. این نظریه‌ها در طول اجرای پژوهش بازتعریف و اصلاح می‌شوند و به عنوان سازوکاری یادگیرانه^{۱۴} امکان بازاندیشی و انطباق مستمر^{۱۵} را برای اعضای پروژه فراهم می‌کنند. استفاده مؤثر از نظریه تغییر نیازمند درک روشن و مشترک از مأموریت پژوهش^{۱۶}، زمینه نهادی و اجتماعی پژوهش، منافع و انگیزه‌های ذی‌نفعان بیرون و فعالیت‌هایی است که پژوهش را به جامعه متصل می‌کند. تنها با ادغام این عناصر در قالب یک چارچوب یکپارچه می‌توان ارزیابی معتبر، واقع‌بینانه، و قابل اتکا از اثرگذاری پژوهش در حوزه علوم انسانی و اجتماعی ارائه داد (اسپالین و فن دروگه^{۱۷}، ۲۰۱۱؛ مورتون^{۱۸}، ۲۰۱۲).

1. Complementary Methods
2. Qualitative Interviews
3. Focus Groups
4. Workshops
5. Impact Plans And Templates, Theory Of Change
6. Retrospective
7. Prospective
8. Retrospective
9. Prospective
10. Theory Of Change
11. Stakeholders
12. Theoretical Openness
13. Mayne
14. Learning Mechanism
15. Continuous Adaptation
16. Research Mission
17. Spaapen and van Drooge
18. Morton

مدل منطقی^۱

مدل‌های منطقی ابزارهایی کارآمد برای پایش و ردیابی پیامدهای مشخص حاصل از پژوهش هستند (مورتون، ۲۰۱۲). همچنین برای تفکیک و طبقه‌بندی انواع پیامدهای مرتبط با فرایند پژوهش استفاده شوند (دانوون و هنی^۲، ۲۰۱۱) در هر دو رویکرد، توجه به پیامدهای غیرمستقیم و پیوندهای کمتر قابل‌انتساب میان پژوهش و جامعه ضروری است، زیرا این ابعاد از مسیرهای پیچیده و چندلایه شکل می‌گیرند و در مدل‌های منطقی به‌طور کامل قابل مشاهده نیستند. گاهی الگوی ارزیابی اثرگذاری از جمله چارچوب اچ‌ای‌آر جی مدل منطقی را برای نشان‌دادن پیوند میان ورودی‌ها و فعالیت‌ها با برنامه‌های سنجش اثرگذاری و قالب‌های ارزیابی و مطالعات موردی تلفیق می‌کنند. هدف از این رویکرد ترکیبی، بازنمایی فرایندها و تعاملات پیچیده‌ای است که طی آن‌ها دانش تولید^۳، جذب^۴ و در سطوح مختلف جامعه به‌کار گرفته می‌شود.

ردیابی فرایند و ثبت فعالیت‌ها^۵

ردیابی فرایند بر پایه روش‌های علمی استوار است که به دنبال کشف و پیگیری مسیرهای بهره‌بردار^۶ از پژوهش تا جامعه است. به‌طور کلی، این رویکردها را می‌توان به دو دسته استراتژی‌های ردیابی پیش‌رونده^۷ و ردیابی پس‌رونده^۸ تقسیم کرد. اثر پژوهش را می‌توان به دو شیوه ردیابی کرد: در روش پیش‌رونده، مسیر اثرگذاری از مراحل آغازین پژوهش آغاز شده و به سمت کاربرد نتایج، پیامدها و اثرات اجتماعی آن در جامعه دنبال می‌شود. در مقابل، در روش پس‌رونده نقطه شروع، پیامدها، یا تغییرات مشخصی در جامعه است و تلاش می‌شود با بازگشت به عقب، مشخص شود که این نتایج حاصل کدام فعالیت‌ها یا پروژه‌های پژوهشی بوده‌اند (میگر، لیال و ناتلی^۹، ۲۰۰۸).

بازدیدهای میدانی^{۱۰}

بازدیدهای میدانی این امکان را برای ارزیابان فراهم می‌کنند که پژوهش‌ها را به‌طور عملی مشاهده کنند و با پژوهشگران اصلی و سایر اعضای تیم پژوهشی درباره تجربیات، برنامه‌ها، و راهبردهای آن‌ها گفت‌وگو کنند. این تعاملات می‌توانند بینش‌های ارزشمندی ارائه کنند، به‌ویژه زمانی که نتایج به‌دست‌آمده با داده‌ها و شواهد دیگر مقایسه و تلفیق شوند تا اعتبار و قابلیت اعتماد نتایج افزایش یابد (پدرسن، گرونوا و هویدفلت، ۲۰۲۰).

ارزیابی ذی‌نفعان / کاربران^{۱۱}

ارزیابی ذی‌نفعان / کاربران یک روش ارزیابی پژوهشی است که در آن افراد یا گروه‌هایی که به‌نوعی ذی‌نفع در پژوهش هستند شامل کاربران نهایی، شرکا، سیاست‌گذاران، و سایر بهره‌برداران بالقوه به‌مثابه شرکا و همکاران در تولید و ارزیابی دانش دخیل می‌شوند. در این رویکرد، ذی‌نفعان می‌توانند در طراحی، اجرا، پایش، و ارزیابی پژوهش مشارکت داشته باشند و همچنین در تولید شاخص‌های

1. Logic Model
2. Donovan & Hanney
3. Production
4. Uptake
5. Process-Tracking, Activity Registration
6. Utilization Pathways
7. Forward-Tracking
8. Backward-Tracking
9. Meagher, Lyall, & Nutley
10. Field Visits
11. Stakeholder/User Evaluation

ارزیابی مشترک نقش داشته باشند. مشارکت ذی‌نفعان می‌تواند ارتباط میان پژوهش و جامعه را تقویت کند و اطلاعات ارزشمندی درباره چگونگی پذیرش، استفاده و تأثیر پژوهش فراهم آورد (ایرد^۱ و همکاران، ۲۰۱۱؛ ابراین، مارزانو و وایت^۲، ۲۰۱۳) این روش به‌ویژه زمانی مؤثر است که از داده‌ها و شواهد چندمنبعی برای تحلیل استفاده شود، چرا که موجب افزایش قابلیت اعتماد و اعتبار نتایج می‌شود. با این حال، این رویکرد می‌تواند هزینه‌بر و زمان‌بر باشد و نیازمند مدیریت دقیق برای جلوگیری از تأثیر بیش از حد ذی‌نفعان بر تمامیت علمی پژوهش است (شاهید^۳ و همکاران، ۲۰۲۲).

کارگاه‌ها و گروه‌های کانونی^۴

کارگاه‌ها و گروه‌های کانونی روش‌های تعاملی و مشارکتی هستند که پژوهشگران، شرکا و ذی‌نفعان را در فضایی سازمان‌یافته برای تبادل نظر، هم‌آفرینی ایده‌ها، و تعیین اهداف مشترک گرد هم می‌آورند. این روش‌ها می‌توانند در مرحله طراحی پژوهش برای تولید مشترک دانش و تعریف اهداف مشترک به کار روند و بدین ترتیب پژوهش با نیازها و انتظارات ذی‌نفعان هم‌سو شود. علاوه بر این، کارگاه‌ها ابزاری برای تسریع اثرگذاری پژوهش هستند، زیرا توجه مخاطبان بیرونی را به پروژه‌ها و برنامه‌های خاص جلب می‌کنند و زمینه‌ای برای توسعه مشترک راهبردهای انتشار یافته‌ها و شناسایی منابع شواهد اثرگذاری فراهم می‌آورند. گروه‌های کانونی پس از پایان پروژه نیز می‌توانند برای ثبت پیامدهای فوری پژوهش و بازخورد ذی‌نفعان به‌ویژه برای بررسی اثر بر سازمان‌های شریک یا گروه‌های هدف مشخص استفاده شوند. (شاهید و همکاران، ۲۰۲۲)

بررسی و تحلیل اسناد^۵

تحلیل اسناد شامل مرور و تفسیر اسناد موجود مانند کتاب‌ها، گزارش‌های سیاستی، مقالات سفید، ادبیات خاکستری، و سایر منابع مشابه می‌شود. بازنگری اسناد می‌تواند به‌صورت کیفی و کمی انجام شود و بیشتر با تحلیل متنی محاسباتی (مانند متن‌کاوی، مدل‌های موضوعی، تحلیل معنایی متن) یا استراتژی‌های سنتی کدگذاری (مانند کدگذاری دسته‌بندی‌شده و سنتزهای تماتیک) ترکیب شود. این روش امکان درک محتوا و زمینه خروجی‌های مشخص پژوهش را فراهم می‌کند. موفقیت آن تا حد زیادی به کیفیت خروجی‌های موجود و توانایی یافتن و جمع‌آوری نظام‌مند آن‌ها بستگی دارد و اطلاعات کمی درباره خروجی‌های غیرمکتوب پژوهش ارائه می‌دهد. علاوه بر این، هیچ روش واحدی به‌سادگی قابل تطبیق و استفاده در همه موارد نیست و اغلب نیاز به استراتژی‌های روش‌شناختی متنوع وجود دارد که می‌تواند طراحی پژوهش را پیچیده کند. بنابراین، به‌کارگیری مؤثر این روش معمولاً مستلزم تخصص گسترده و صرف زمان قابل توجه برای تطبیق روش‌های انتخابی است (پدرسن، گرونوا و هویدفلت، ۲۰۲۰).

رویکرد درونی و اجماعی^۶

رویکرد درونی و اجماعی رویکردی است که در آن ارزیابی کیفیت پژوهش بر پایه معیارهایی انجام می‌شود که از دل خود جامعه علمی برخاسته‌اند و بازتاب‌دهنده «برداشت‌ها و تصورات پژوهشگران از کیفیت» هستند. این رویکرد تأکید می‌کند که ارزیابی معتبر در علوم انسانی باید بر معیارهای مورد توافق تکیه کند، زیرا تنها خود پژوهشگران قادرند کیفیت واقعی پژوهش در رشته خویش را تعریف کنند.

1. Eerd
2. O'Brien, Marzano, & White
3. Shahid et al.
4. Workshops And Focus Groups
5. Review And Analysis Of Documents
6. Insid-Out Approach

در نتیجه، این نوع ارزیابی نه بر شاخص‌های بیرونی، بلکه بر اجماع درونی، ارزش‌ها و هنجارهای مشترک میان متخصصان حوزه متکی است (اوکس‌نر، هاگ و دانیل^۱، ۲۰۱۲).

رویکرد پایین به بالا^۲

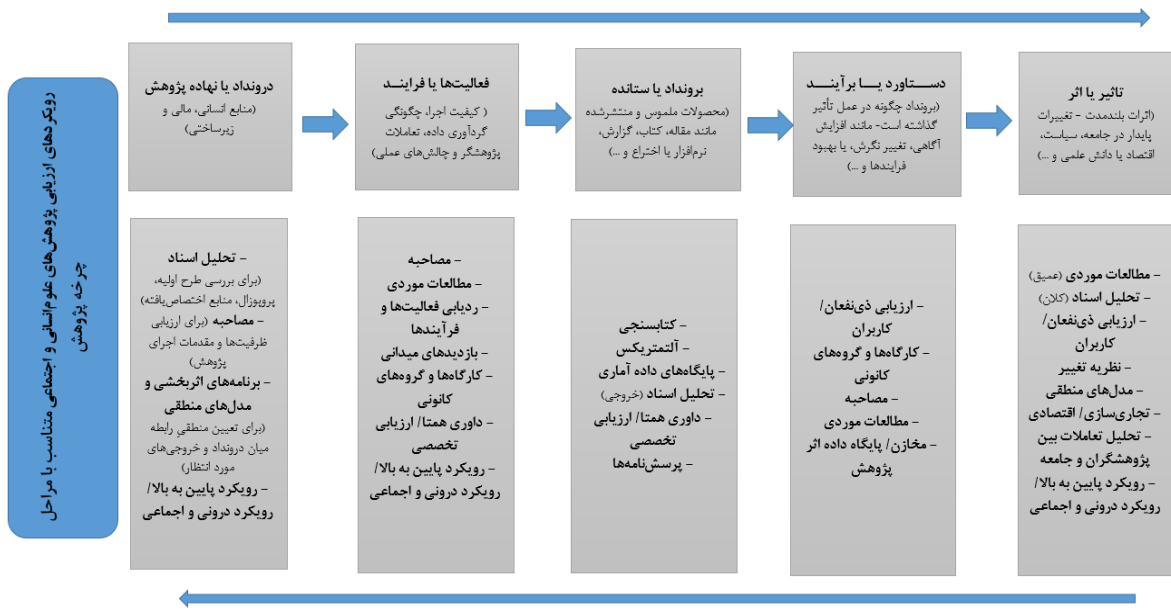
رویکرد پایین به بالا بر این اصل استوار است که معیارهای ارزیابی کیفیت پژوهش باید در فرایندی درون‌زا و مشارکتی از سوی خود پژوهشگران تعریف شوند. در این الگو تعیین شاخص‌ها و ارزش‌های ارزیابی از دل اجماع و شناخت تخصصی جامعه علمی شکل می‌گیرد نه از راه سازوکارهای برون‌زا یا مدیریتی. چنین شیوه‌ای با ماهیت علوم‌انسانی سازگارتر بوده و به پذیرش بیشتر فرایندهای ارزیابی از سوی پژوهشگران منجر می‌شود (اوکس‌نر، هاگ و دانیل^۳، ۲۰۱۲).

مدل مفهومی تلفیقی رویکرد های ارزیابی پژوهش های علوم‌انسانی و اجتماعی بر اساس مراحل حل چرخه پژوهش (درون‌داد، فرایند، برون‌داد، دستاورد، و تأثیر) چیست؟

یافته‌ها نشان می‌دهد که ارزیابی در علوم‌انسانی و اجتماعی نه تنها بر مجموعه‌ای متنوع از رویکردها و روش‌ها استوار است، بلکه این روش‌ها با مراحل مختلف چرخه پژوهش از مرحله درون‌داد تا اثر نهایی ارتباط ساختاری دارد.

بر اساس راهنمای مدل منطقی بنیاد کلاگ، مراحل اصلی یک پژوهش از زمان شروع تا زمان ثمردهی نهایی از دیدگاه ارزیابی پژوهش شامل پنج مرحله است که عبارتند از: درون‌داد یا نهاد پژوهش، فعالیت‌ها یا فرایند، برون‌داد یا ستانده، دستاورد یا بریند، تأثیر یا اثر که هر مرحله از چرخه پژوهش نیازمند شاخص‌ها، رویکردها، و ابزارهای ارزیابی ویژه است و هیچ مجموعه واحدی از معیارها نمی‌توانند همه مراحل را پوشش دهند (بنیاد کلاگ، ۲۰۰۴). پنفلد^۳ و دیگران (۲۰۱۴) بیان می‌کنند که اثر پژوهش زمانی قابل سنجش است که روش‌های کمی و کیفی و مشارکتی کنار هم و متناسب با وظایف هر مرحله از چرخه پژوهش به کار گرفته شوند. برونمن (۲۰۱۳) تمایز صریحی میان خروجی‌های قابل اندازه‌گیری، دستاوردهای میان مدت و اثرات بلند مدت قائل می‌شود و تأکید می‌کند که هر کدام مستلزم ابزارهای ارزیابی متفاوتی هستند. یافته‌های پژوهش حاضر طیف وسیعی از روش‌ها و رویکردها برای ارزیابی پژوهش است که هر یک با بخشی از چرخه پژوهش تناسب دارند. روش‌هایی همچون کتاب‌سنجی، دگرسنجه‌ها، و پایگاه‌های داده آماری بیشتر به سنجش برون‌دادهای قابل اندازه‌گیری می‌پردازند در مقابل رویکردهایی نظیر مصاحبه، مطالعات موردی، بازدیدهای میدانی، و تحلیل اسناد کیفیت پژوهش را می‌سنجند. ارزیابی ذی‌نفعان کارگاه‌ها، گروه‌های کانونی، ارزیابی پایین به بالا بیشتر به سنجش دستاوردها و اثرات میان مدت و بلندمدت تمرکز دارند. ردیابی فرایند و ثبت فعالیت‌ها ابزارهایی هستند که به دنبال کشف و پیگیری مسیرهای بهره‌برداری از پژوهش تا جامعه است. این تنوع رویکردی نشان می‌دهد که ارزیابی جامع پژوهش‌های علوم‌انسانی باید هم‌زمان بر درون‌داد، فرایند، خروجی‌ها، و اثرات نهایی تمرکز کنند. یافته‌های پژوهش حاضر بر اساس راهنمای مدل منطقی بنیاد کلاگ تحلیل شده و در چندین مرحله پایش و دسته‌بندی شد و در نهایت مدل مفهومی تلفیقی تدوین شد که رویکردهای ارزیابی پژوهش علوم‌انسانی و اجتماعی را بر اساس مراحل چرخه پژوهش ترسیم می‌کند. مدل به وضوح نشان می‌دهد که «کدام رویکرد و روش برای سنجش کدام بخش از فرایند پژوهش مناسب‌تر است».

1. Ochsner, Hug & Daniel
2. Bottom-Up Approach
3. Penfield



شکل ۲. مدل مفهومی رویکردهای ارزیابی پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی براساس مراحل پژوهش

۵. بحث و نتیجه‌گیری

در این مقاله، مجموعه‌ای از مهمترین رویکردها و روش‌ها برای ارزیابی اثربخشی علوم انسانی و اجتماعی معرفی و بحث شده‌اند. یافته‌های ما نشان می‌دهد ارزیابی پژوهش در علوم انسانی متکی بر طیف وسیعی از رویکردها و ابزارهاست که هر یک مزایا و محدودیت‌های خود را دارد. این رویکردها شامل کتاب‌سنجی، دگرسنجه‌ها، تحلیل اسنادی، داوری همتا، مصاحبه، پرسش‌نامه، مطالعات موردی، کارگاه‌ها و گروه‌های کانونی، ردیابی فعالیتها، بازدیدهای میدانی، ارزیابی ذی‌نفعان، مدل‌های منطقی/نظریه تغییر، رویکرد پایین به بالا، رویکرد درونی و اجماعی و موارد این چنینی است.

کتاب‌سنجی، شاخص‌های استنادی و پایگاه داده‌های آماری ابزارها و رویکردهایی هستند که امکان سنجش کمی تولیدات علمی را فراهم می‌کنند. داورپناه (۱۳۸۶)، مختاری و میرزایی (۱۳۹۵)، سیورتنسن و لارسن (۲۰۱۲)، ابراهیمی درچه و دیگران (۲۰۲۴) نشان داده‌اند که شاخص‌های سنتی مانند عامل تأثیر و تعداد استناد به دلیل تفاوت الگوهای انتشار و نیمه‌عمر طولانی استناد در علوم انسانی محدودیت دارند و نمی‌توانند همه ابعاد اثر پژوهش را منعکس کنند. در عین حال، برنمن و دیگران (۲۰۱۶) نشان می‌دهند که منابع جایگزین مانند گوگل اسکولار پس از نرمال‌سازی با پایگاه‌های استاندارد، می‌توانند پوشش مناسب برای حوزه‌های با نمایه سنتی محدود فراهم کنند. شاخص‌های دگرسنجه‌های، توانسته‌اند محدودیت‌های شاخص‌های سنتی را کاهش دهند. محمدی و ثوال (۲۰۱۳) و همارفلت (۲۰۱۴) نشان داده‌اند که شاخص‌های دگرسنجه‌ها، با تمرکز بر تعاملات اجتماعی و اشتراک‌گذاری مقالات و کتاب‌ها، می‌توانند تصویر سریع و اولیه از تأثیر پژوهش ارائه دهند. چن^۱ و دیگران (۲۰۱۵)، گونسالس، فورس، و تورس (۲۰۲۵) و ستوده و دیگران (۱۳۹۷) نیز تأکید می‌کنند که این شاخص‌ها نباید به صورت منفرد استفاده شوند و ترکیب آن‌ها با روش‌های کیفی و داوری تخصصی الزامی است.

رویکردهای تحلیل اسناد، مصاحبه، پرسش‌نامه، مطالعات موردی روایت‌محور، کارگاه‌ها و گروه‌های کانونی، ردیابی فعالیت‌ها، و بازبازرسی‌های میدانی برای درک عمیق‌تر از فرایندها و تعاملات پژوهشی کاربرد دارند. اوکندر، هاگ، و دانیل (۲۰۱۴) و اوکسنر، هاگ، و گالرون (۲۰۱۷) نشان داده‌اند که این رویکردها، امکان شناسایی چالش‌ها و محدودیت‌های عملی پژوهش را فراهم می‌کنند.

مدل‌های منطقی و نظریه‌تغییر، داوری هم‌تا، ارزیابی مشارکتی ذی‌نفعان، رویکردهای پایین به بالا، و رویکردهای درونی و اجماعی ابزارها و رویکردهایی هستند که امکان ارزیابی جامع اثر پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی را فراهم می‌کنند. مدل‌های منطقی و نظریه‌تغییر چارچوبی مفهومی ارائه می‌دهند که رابطه میان ورودی‌ها، فعالیت‌ها، خروجی‌ها، و اثرات بلندمدت پژوهش را قابل‌رصد می‌سازد و به تعیین شاخص‌های مناسب برای هر مرحله از پژوهش کمک می‌کند (بنیاد کلاگ، ۲۰۰۴؛ فانل و راجرز^۱، ۲۰۱۱). داوری هم‌تا و ارزیابی مشارکتی ذی‌نفعان امکان ترکیب داده‌های کمی و کیفی با دیدگاه‌های تخصصی و بازخورد عملیاتی کاربران را فراهم می‌کنند و دقت ارزیابی دست‌آورد‌ها و اثرات بلندمدت پژوهش را افزایش می‌دهند (اس‌پاین و وان‌دروگ^۲، ۲۰۱۱؛ هولبروک^۳، ۲۰۱۲). رویکردهای پایین به بالا و رویکردهای درونی و اجماعی ارزیابی را با شرایط واقعی پژوهشگران و بافت علمی-اجتماعی هماهنگ می‌کنند و از تحمیل معیارهای نامتناسب جلوگیری می‌کنند. این رویکردها علاوه بر افزایش پذیرش ارزیابی، انعطاف، و کارآمدی فرایند ارزیابی را نیز تقویت می‌کنند (اوکندر، هاگ و گالرون^۴، ۲۰۱۷؛ دوغان و تاکشین^۵، ۲۰۲۰).

تحلیل یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که این رویکردها به‌جای تمرکز صرف بر خروجی‌های قابل اندازه‌گیری، امکان یکپارچه‌سازی داده‌های کمی و کیفی، تحلیل مشارکتی، و چارچوب نظری را فراهم می‌کنند و در نتیجه ارزیابی پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی را جامع، قابل‌انکاء، و حساس به زمینه علمی-اجتماعی می‌سازند. تحلیل کلی نشان می‌دهد که هیچ رویکرد واحدی نمی‌تواند تمامی ابعاد پژوهش را پوشش دهد. رویکردهای کمی برای سنجش برون‌داد مناسبند اما برای دست‌آورد و اثر نهایی کافی نیستند. رویکردهای کیفی و مشارکتی برای ارزیابی فرایند، دست‌آورد، و تأثیر پژوهش مفید هستند اما توانایی سنجش ورودی‌ها را ندارند. ترکیب این رویکردها، به‌همراه شاخص‌های نوین و تعامل با ذی‌نفعان، تصویر جامع، و واقع‌بینانه‌ای از پژوهش ارائه می‌دهد. با نگاهی تحلیلی، می‌توان نشان داد که هر رویکرد با یک یا چند مرحله چرخه پژوهش ارتباط ساختاری دارد. برای مثال، تحلیل اسناد، و مصاحبه با متخصصان بیشتر برای بررسی ورودی‌ها و ظرفیت‌ها کاربرد دارند، رویکردهای کیفی مشارکتی برای فرایند و دست‌آورد مناسبند و مدل‌های منطقی و نظریه‌تغییر به سنجش اثر بلندمدت کمک می‌کنند. این تطبیق نشان می‌دهد که انتخاب و ترکیب رویکردها باید براساس مراحل پژوهش و هدف ارزیابی انجام شود تا ارزیابی جامع و معتبر باشد. ارزیابی پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی نیازمند تلفیق رویکردها، حساسیت به زمینه و مرحله پژوهش، و استفاده چندمنبعی از داده‌ها است.

۶. محدودیت‌های پژوهش

تعدادی از پژوهش‌های ارزشمند علوم انسانی و اجتماعی به دلیل ماهیت ملی و بومی این حوزه در پایگاه‌های بین‌المللی نمایه نمی‌شوند، لذا ممکن است بر ماهیت ملی و بومی بودن پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی و محدودیت‌های زبانی جامعیت پژوهش حاضر را تأثیر داشته باشند.

1. Funnell & Rogers
2. Spaapen & Van Drooge
3. Holbrook
4. Ockner, Haug & Galleron
5. Doğan & Taşkın

۷. پیشنهاد‌های اجرایی و پژوهشی

- پیشنهاد می‌شود سامانه‌ای برای ارزیابی پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی با زیر ساخت فکری حاصل از مدل مفهومی ارائه شده در این پژوهش طراحی شود که بدون شک در منسجم کردن ارزیابی پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی بسیار کارآمد خواهد بود.
- در راستای تسهیل سیاست‌گذاری‌های پژوهشی و بهینه‌سازی تخصیص بودجه پیشنهاد می‌شود، سیاست‌گذاران و دست‌اندرکاران ارزیابی پژوهش از یافته‌های پژوهش و مدل مفهومی ارائه شده برای ارزیابی پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی استفاده کنند.
- با توجه به نتایج پژوهش حاضر پیشنهاد می‌شود گام‌های مؤثری در راستای ایجاد و توسعه مخازن و پایگاه‌های داده تأثیر پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی برداشته شود.
- با توجه به اهمیت موضوع ارزیابی پژوهش، انجام پژوهشی مشابه با رویکرد مرور نظام‌مند برای حوزه‌های مهندسی، پزشکی، و علوم پایه پیشنهاد می‌شود.
- پیشنهاد می‌شود مدل مفهومی ارائه شده در این پژوهش در یک یا چند دانشگاه یا پژوهشگاه به صورت پایلوت اجرا و پیاده‌سازی شود تا چالش‌ها و فرصت‌های عملی آن شناسایی و نسبت به بومی‌سازی نهایی آن اقدام شود.

فهرست منابع

- جمالی مهموئی، ح. (۱۳۹۰). ارزیابی پژوهش: رویکردها، شیوه‌ها و چالش‌ها. رهیافت، ۲۱(۴۹).
- داورپناه، م. (۱۳۸۶). چالش‌های علم‌سنجی در حوزه علوم انسانی در مقایسه با سایر حوزه‌های علم. مطالعات تربیتی و روان‌شناسی، ۸(۲)، ۱۴۶-۱۲۵. [SID. https://sid.ir/paper/440779/fa](https://sid.ir/paper/440779/fa)
- عصاره، ف.، حیدری، غ.، زارع فراشبندي، ف.، و حاجی زین العابدینی، م. (۱۳۸۸). از کتاب‌سنجی تا وب‌سنجی: تحلیلی بر مبانی، دیدگاه‌ها، قواعد و شاخص‌ها. کتابدار.
- مختاری، ح.، و میرزایی، ع. (۱۳۹۵). تفاوت‌های علوم تجربی، علوم اجتماعی و علوم انسانی از نگاه شاخص‌های علم-سنجی مؤسسه‌ی اطلاعات علمی (ISI)، مجله علم‌سنجی کاسپین، ۱۳(۱)، ۲۳-۲۹.
- موند، هنگ (۱۳۸۷). تحلیل استنادی در ارزیابی پژوهش. (ترجمه ع. میرزایی، و ح. مختاری). چاپار.
- وامقی، م.، رفیعی، ح.، سجادی، ح.، و رشیدیان، الف. (۱۳۹۰). مرور نظام‌مند مطالعات کودکان خیابانی در دهه اخیر در ایران: عوامل خانوادگی مرتبط و پیامدهای خیابانی شدن کودکان. مسائل اجتماعی ایران (دانشگاه خوارزمی)، ۱۲(۱)، ۰-۰.
- Bornmann, L. (2013) 'What is Societal Impact of Research and How Can It Be Assessed? A Literature Survey'. *Journal of the American Society of Information Science and Technology*, 64, 217–33.
- Bornmann, L. (2014) 'Do Altmetrics Point to the Broader Impact of Research? An Overview of Benefits and Disadvantages of Altmetrics'. *Journal of Informetrics*, 8, 895–903.
- Bornmann, L., Thor, A., Marx, W., & Schier, H. (2016). *The application of bibliometrics to research evaluation in the humanities and social sciences: An exploratory study using normalized Google Scholar data for the publications of a research institute. Journal of the Association for Information Science and Technology*, 67(11), 2778-2789.
- Boaz, A., Fitzpatrick, S., and Shaw, B. (2008) *Assessing the Impact of Research on Policy: A Review of the Literature for a Project on Bridging Research and Policy through Outcome Evaluation*. Kings College London & Policy Studies Institute.
- Boaz, A., Fitzpatrick, S., & Shaw, B. (2009). Assessing the impact of research on policy: A literature review. *Science and Public Policy*, 36(4), 255–270.
- Buxton, M., & Hanney, S. (1996). *How can payback from health services research be assessed? Journal*

- of *Health Services Research & Policy*, 1(1), 35–43.
- Chen, K. H.; Tang, M. C.; Wang, C. M.; Hsiang, J. (2015). Exploring alternative metrics of scholarly performance in the social sciences and humanities in Taiwan. *Scientometrics*, 102(1), 97-112.
- Comisión Europea (2024), IMPACT-EV, <https://cordis.europa.eu/project/id/613202/es>
- De Jong, S., Barker, K., Cox, D., Sveinsdottir, T., & Van den Besselaar, P. (2013). *Understanding societal impact through studying productive interactions*. Rathenau Instituut.
- De Loe, R. C.; Melnychuk, N.; Murray, D.; Plummer, R. (2016). Advancing the state of policy Delphi practice: A systematic review evaluating methodological evolution, innovation, and opportunities. *Technological Forecasting and Social Change*, (104), 78-88.
- Doğan, G., & Taşkın, Z. (2020). Humanities: the outlier of research assessments. *Information*, 11(11), 540.
- Donovan, C., and Hanney, S. (2011). 'The "Payback Framework" Explained'. *Research Evaluation*, 20, 181–3.
- The Federation for the Humanities and Social Sciences (2017). *Approaches to Assessing Impacts in the Humanities and Social Sciences*, Canada. https://www.federationhss.ca/sites/default/files/sites/default/uploads/policy/2017/impact_report_en_final.pdf
- Ebrahimi Dorcheh, E., Mansouri, A., Pashootanzadeh, M., Mirbagherifard, A.-A., & Shabani, A. (2024). Determining and prioritizing the evaluation criteria of humanities scientific outputs: A case study of language and literature fields. *Journal of Scientometric Research*, 13(1), 1–12.
- Eerd, D. V., Cole, D., Keown, K., Irvin, E., Kramer, D., Gibson, J. B., Kohn, M., Mahood, Q., Slak, T., Amick, B., Phipps, D., Garcia, J., and Morassaei, S. (2011) *Report on Knowledge Transfer and Exchange Practices: A Systematic Review of the Quality and Types of Instruments Used to Assess KTE Implementation and Impact*. Institute for Work & Health.
- European Commission. (2015). *Science, Research and Innovation performance of the EU 2016: A contribution to the Open Innovation, Open Science, Open to the World agenda*. Publications Office of the European Union.
- Funnell, S. C., & Rogers, P. J. (2011). *Purposeful Program Theory: Effective Use of Theories of Change and Logic Models*. Jossey-Bass.
- González, J., Fors, D., & Torres, D. (2025). Altmetrics in the evaluation of scholarly impact: A systematic and critical literature review. *Frontiers in Research Metrics and Analytics*, 10(1), 1–17.
- Hammarfelt, B. (2014). Using altmetrics for assessing research impact in the humanities. *Scientometrics*, 1419– 1430.
- Hammarfelt, B. (2016). Beyond coverage: Toward a bibliometrics for the humanities. In *Research assessment in the humanities* (pp. 115-131). Springer, Cham.
- Hicks, D., Wouters, P., Waltman, L., Rijcke, S. de, & Rafols, I. (2015). The Leiden anifesto for research metrics. *Nature*, 520(April), 429–431.
- Hicks, D. (2004). *The four literatures of social science,*” in *Handbook of Quantitative Science and Technology Research*, H. Moed (eds). (Dordrecht: Kluwer Academic), 473–496.
- Holmberg, K., & Thelwall, M. (2014). Disciplinary differences in Twitter scholarly communication. *Scientometrics*, 1–16.
- Holbrook, J. B., and Frodeman, R. (2011). Peer Review and the Ex Ante Assessment of Societal Impacts, *Research Evaluation*, 20, 239–46.
- Holbrook, J. B. (2012). Assessing the Societal Impact of Research: Conceptual, Methodological, and Practical Issues. *Research Evaluation*, 21(3), 217–227.
- Hug, S., Ochsner, M. (2014). A framework to explore and develop criteria for assessing research quality in the humanities. *International Journal of Education Law and Policy*, 10 (1), 55–68.
- Hsu, J., and Huang, D. (2011). Correlation between impact and collaboration. *Scientometrics*, 86, 317–324. doi: 10.1007/s11192-010- 0265-x
- Kellogg, W. K. (2004). *WK Kellogg Foundation. Using Logic Models to Bring Together Planning, Evaluation, and Action: Logic Model Development Guide*.

- King's College London and Digital Science (2015) *The Nature, Scale and Beneficiaries of Research Impact: An Initial Analysis of Research Excellence Framework (REF) 2014 Impact Case Studies*. Higher Education Funding Council of England (HEFCE).
- KNAW. (2005). *Judging Research on Its Merits: An Advisory Report by the Council for the Humanities and the Social Sciences Council*. Royal Netherlands Academy of Arts and Sciences.
- Kulczycki, E., Engels, T. C. E., Polonen, J., Bruun, K., Duskova, M., Guns, R., et al. (2018). Publication patterns in the social sciences and humanities: evidence from eight European countries. *Scientometrics*, 116, 463–486. doi: 10.1007/s11192-018-2711-0
- Martin, B. R. (2011). The Research Excellence Framework and the “impact agenda”: are we creating a Frankenstein monster? *Research Evaluation*, 20(3), 247–254.
- Mayne, J. (2008) ‘Contribution Analysis: An Approach to Exploring Cause and Effect’. *ILAC Brief 16 Evaluation*, 1–4.
- Meagher, L., Lyall, C., & Nutley, S. (2008). Flows of knowledge, expertise and influence: a method for assessing policy and practice impacts from social science research. *Research Evaluation*, 17(3), 163–173.
- Mohammadi, E., & Thelwall, M. (2014). Mendeley readership altmetrics for the social sciences and humanities: Research evaluation and knowledge flows. *Journal of the Association for Information Science and Technology*, 65 (8), 1627–1638.
- Morton, S. (2012). *Exploring and Assessing Social Research Impact: A Case Study of a Research Partnership's Impacts*. The University of Edinburgh.
- Morton, S. (2015). Progressing Research Impact Assessment: A “Contributions” Approach. *Research Evaluation*, 24, 405–19.
- Müller, M., Salö, L., & Sörlin, S. (2024). Quality from within: Entry points to research quality in the humanities. *Research Evaluation*, 33(4), 1–13. <https://doi.org/10.1093/reseval/rvae029>
- Nederhof, A. J. (2006). Bibliometric monitoring of research performance in the social sciences and the humanities: a review. *Scientometrics*, 66, 81–100. doi: 10.1007/s11192-006-0007-2
- Nutley, S., Walter, I., and Davies, H. (2007) *Using Evidence: How Research Can Inform Public Services*. Bristol, Policy Press.
- O'Brien, L., Marzano, M., and White, R. M. (2013). Participatory Interdisciplinarity”: Towards the Integration of Disciplinary Diversity with Stakeholder Engagement for New Models of Knowledge Production. *Science and Public Policy*, 40, 51–61.
- Ochsner, M., Hug, S. E., & Daniel, H.-D. (2012). Indicators for research quality for evaluation of humanities research: Opportunities and limitations. *Bibliometrie - Praxis und Forschung*, 1, 1-17.
- Ochsner, M.; Hug, S. E.; Daniel, H. D. (2014). Setting the stage for the assessment of research quality in the humanities. Consolidating the results of four empirical studies. *Zeitschrift für Erziehungswissenschaft*, 17(6), 111-132.
- Ochsner, M., Hug, S., & Galleron, I. (2017). The future of research assessment in the humanities: bottom-up assessment procedures. *Palgrave Communications*, 3(1), 1-12.
- Okoli, C. (2015). A guide to conducting a standalone systematic literature review. *Communications of the Association for Information Systems*, 37(43). DOI: 10.17705/1CAIS.03743.
- Pedersen, D.B., Grønvad, J.F. and Hvidtfeldt, R., 2020. Methods for mapping the impact of social sciences and humanities—A literature review. *Research Evaluation*, 29(1), 4-21.
- Penfield, T., Baker, M. J., Scoble, R., and Wykes, M. C. (2014). Assessment, Evaluations, and Definitions of Research Impact: A Review’. *Research Evaluation*, 23, 21–32.
- Puska, H.-M., Muhonen, R., and Leino, Y. (2014). International and domestic copublishing and their citation impact in different disciplines. *Scientometrics*, 98, 823–839. doi: 10.1007/s11192-013-1181-7
- Reale, E., Avramov, D., Canhial, K., Donovan, C., Flecha, R., Holm, P., Larkin, C., Lepori, B., Mosoni-Fried, J., Oliver, E. and Primeri, E., 2018. A review of literature on evaluating the scientific, social and political impact of social sciences and humanities research. *Research Evaluation*, 27(4), 298-308.

- Rafols, I., Leydesdorff, L., O'Hare, A., Nightingale, P. and Stirling, A. (2012) 'How Journal Rankings Can Suppress Interdisciplinary Research: A Comparison between Innovation Studies and Business & Management'. *Research Policy*, 41, 1262–82.
- REF (2014). *Excellence Framework 2014: The results*. REF2014.
- Shahid, A., Lalani, I. N., Rosgen, B. K., & others. (2022). A scoping review of methods to measure and evaluate citizen engagement in health research. *Research Involvement and Engagement*, 8, 72.
- Singletary, L., Koebele, E., Evans, W., Copp, C. J., Hockaday, S., & Rego, J. J. (2022). Evaluating stakeholder engagement in collaborative research: co-producing knowledge for climate resilience*. *Socio-Ecological Practice Research*, 4(3), 235–249.
- Sivertsen, G., & Larsen, B. (2012). Comprehensive bibliographic coverage of the social sciences and humanities in a citation index: an empirical analysis of the potential. *Scientometrics*, 91(2), 567-575.
- Spaapen, J., & van Drooge, L. (2011). Introducing “productive interactions” in social impact assessment. *Research Evaluation*, 20(3), 211–218.
- Thelwall, M., & Delgado, M. M. (2015). Arts and humanities research evaluation: no metrics please, just data. *Journal of Documentation*, 71(4), 817-833.
- Toledo, E. G. (2018). Research assessment in Humanities and Social Sciences in review. *Revista Española de Documentación Científica*, 41(3), 1-14.
- Wilsdon, J., Allen, L., Belfiore, E., Campbell, P., Curry, S., Hill, S., Johnson, B. (2015). *Metric Tide: Report of the Independent Review of the Role of Metrics in Research Assessment and Management*. Higher Education Funding Council for England, HEFCE.
- Wouters, P., and Costas, R. (2012) *Users, Narcissism and Control—Tracking the Impact of Scholarly Publications in the 21st Century*. SURF foundation.